



فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۱۱۱، دوره ۲۸، تابستان ۱۴۰۳، ۱۳۶-۸۹

مقاله پژوهشی: چالش‌ها و راهکارهای حمایت از تولید ملی در راستای تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی

مهدی صادقی** 

یزدان گودرزی فراهانی* 

پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۱۳

بازنگری: ۱۴۰۳/۴/۱۲

دریافت: ۱۴۰۳/۲/۲۲

تولید ملی / محیط کسب و کار / صنعت / رشد اقتصادی / اقتصاد مقاومتی

چکیده

هدف مطالعه حاضر بررسی چالش‌ها و راهکارهای حمایت از تولید ملی در راستای تحقق سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است. در این تحقیق با استفاده از روش تحقیق توصیفی- کمی شامل مصاحبه با نخبگان و متخصصان این حوزه، پرسش‌نامه و روش دلفی فازی ۲۲ مورد چالش و راهکار مهم در زمینه حمایت از تولید ملی شناسایی و رتبه‌بندی گردید و سپس با استفاده از روش SWARA به صورت کلی نیز مجدداً رتبه‌بندی شدند، شناسایی این چالش‌ها و تعیین رتبه اهمیت آنها می‌تواند در حمایت از تولید ملی در حوزه محیط کسب و کار بسیار تأثیرگذار باشد، نتایج حاکی از آن است که چالش‌های شناسایی شده در این مطالعه شامل: رانت جویی، ضعف در نظام قوانین و مقررات، بی‌ثباتی سیاسی، چالش ایجاد و حفظ اشتغال، چالش فناوری، چالش سرمایه انسانی (آموزش و مهارت)، چالش فساد، چالش فرهنگی، چالش برنامه ریزی، چالش‌های اقتصادی، ضعف بازار سرمایه در تأمین مالی تولید، عرضه کالاهای قاچاق در بازار داخلی و همچنین مهمترین راهکارهای شناسایی شده شامل: ارتقای قابلیت نهادی حاکمیت، تسهیل قوانین

*. استادیار گروه اقتصاد اسلامی، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه قم، قم، ایران y.gudarzi@qom.ac.ir


** دکتري مدیریت راهبردی دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، تهران، ایران

dr.m.sadeghiniaraki@gmail.com


و مقررات، اصلاح رویه‌های سیاست‌گذاری صنعتی، ارائه سند استراتژی توسعه صنعتی، توسعه بخش مالی، رفع موانع واردات بخش صنعت، انتقال و توسعه تکنولوژی در کشور، حمایت منطقی و آگاهانه از تولید ملی، تقویت و حمایت از اقتصاد دانش‌بنیان، حمایت و تقویت عملی از بخش خصوصی هستند.


طبقه‌بندی JEL: D24, F64, L60, O40, Z19



 <https://doi.org/10.22034/ijts.2024.2028834.3985>

Challenges and Solutions to Support National Production in Line with the Realization of Resistance Economy Policies

Yazdan Gudarzi Farahani¹, Assistant Professor, Department of Islamic Economics, Faculty of Economic and Administrative Sciences, University of Qom, Qom, Iran  (Corresponding Author)

Mehdi Sadeghi, PhD in Strategic Management, University of National Defense and Rahbardi Research Institute, Tehran, Iran. 

Received: 11 May 2024

Revised: 2 July 2024

Accepted: 3 July 2024

**National Production / Business Environment / Industry / Economic Growth /
Resistance Economy**

The purpose of this study was to examine the challenges and solutions to support national production in order to resistance economy policies. In this research, by using descriptive-quantitative research method, including interviews with elites and experts in this field, questionnaire and fuzzy Delphi method, 22 important challenges and solutions in the field of supporting national production were identified and ranked, and then using the SWARA method to In general, they were re-ranked, identifying these challenges and determining their importance can be very effective in supporting national production in the field of business environment, the results indicate that the challenges identified in this study include: rent-seeking, weakness in the system Laws and regulations, political instability, the challenge of creating and maintaining employment, the challenge of technology, the challenge of human capital (education and skills), the challenge of corruption, the challenge of culture, the challenge of planning, economic challenges, the weakness of the capital market in financing production, supply of goods Smuggling in the domestic market as well as the most important solutions identified include: improving the institutional capacity of governance, facilitating laws and regulations, reforming industrial policy procedures, presenting an industrial development strategy document, developing the financial sector, removing obstacles to the import of the industry sector, transfer and development of technology in the country, rational and conscious support of national production, strengthening and supporting the knowledge-based economy, practical support and strengthening of the private sector.

1. y.gudarzi@qom.ac.ir

JEL Classification: D24, F64, L60, O40, Z19

Data Availability: The data used or generated in this research are presented in the text of the article.

Conflicts of Interest: The authors of this paper declared no conflict of interest regarding the authorship or publication of this article.

۱. مقدمه

اقتصاد از ارکان اصلی یک کشور است که دیگر ارکان سیاسی، اجتماعی و حتی دینی و مذهبی تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد. تولید ملی اصطلاحی در علم اقتصاد است و به ارزش پولی همه کالاها و خدماتی که در یک دوره معین، معمولاً یک سال، در کشوری تولید شده است، گفته می‌شود که می‌توان مزیت‌های آن را در ابعاد مختلف کارشناسانه مطالعه و بررسی نمود. در اقتصاد مفهوم حمایت از تولید داخلی از دو جهت بررسی می‌شود یکی مربوط به اقتصاد در شرایط نرمال و دیگری در شرایط بحران است؛ در یک اقتصاد معمولی و نرمال حمایت از تولید ملی به معنای تأکید بر کالایی است که دارای مزیت اقتصادی باشد و در یک اقتصاد در شرایط بحران حمایت از تولید ملی تعریف دیگری پیدا می‌کند.

هدف حمایت از تولید ملی استقلال از سایر کشورها نیست زیرا در اقتصاد فعلی جهان جز در موارد خاص استقلال اقتصادی مفهومی ندارد. در ایران نیز صنایع چه به لحاظ مواد مصرفی و چه فناوری و تجهیزات استقلال داخلی ندارند و وابستگی خارجی دارند و صنایع داخلی توان تولید همه کالاهای مورد نیاز کشور را نداشته و بسیاری از کالاها عمدتاً منبع تأمین خارجی دارند و رقیب داخلی به مفهوم واقعی ندارند. همچنین در ایجاد فناوری‌های کارخانه‌سازی و صنایع سنگینی که لوازم و تجهیزات صنعتی می‌سازد مشکل وجود داشته و از طرفی تنوع بسیار بالای فناوری‌های لازم در ایجاد صنایع آنقدر بالا است که تولید داخلی آن‌ها مفهومی ندارد. در ایران شاید تولید یک کالای خاص به قیمت چند ده برابر بین‌المللی آن با توجه به تحریم و امنیت ملی توجیه داشته باشد اما صنایع عمومی چنین نیستند و این روند در مورد آنها پیاده‌ساز نیست. در حال حاضر عدم حمایت از تولیدات داخلی سبب شده تا وضعیت تولید در کشور همگام با تکنولوژی و تولید به روز دنیا حرکت نکند و از نقطه مطلوب فاصله داشته باشد و در حوزه فناوری‌های نوین تولید در بخش‌های مختلف خدماتی، صنعتی و کشاورزی، انرژی، ساخت‌وساز و ... نسبت به دنیا عقب باشد که این موجب اتلاف منابع، عدم تخصیص بهینه، کاهش عمر مفید و قدیمی و تکراری بودن روند تولیدات با قدرت رقابت‌پذیری کم در عرصه بین‌المللی شده است.

یکی از اساسی‌ترین محورهای اقتصاد مقاومتی حمایت از تولید داخلی است. اقتصاد

مقاومتی یا تاب‌آوری که پشتوانه نظری و مطالعات تجربی جدی در دنیا درباره‌اش وجود دارد و به شوک‌های برون‌زا در اقتصاد باز می‌گردد، می‌تواند پشتوانه جدی برای مقاومت اقتصاد ملی در برابر شوک‌های برون‌زایی که کنترل آن‌ها در دست ما نیست و ناشی از تحولات علمی-فنی، تحولات اقلیمی، زیست محیطی و یا ناشی از مشکلات ساختار اقتصاد جهانی و درگیری‌های سیاسی است باشد. لازمه تحقق حمایت از تولید ملی تحقق اهداف سیاستی اقتصاد مقاومتی است یکی از ویژگی‌های اقتصاد مقاومتی در جهت حمایت از تولید داخلی، داشتن نگاهی مولد به درون، خوداتکایی و خودکفایی است. در طراحی بسته سیاستی برای رونق و تحول تولید باید به ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور به‌عنوان یک کشور صادرکننده نفت توجه نمود و نیز باید ریشه وضعیت موجود اقتصاد (رکود) و تأثیر آن بر کسب و کارها در شرایط کنونی را در نظر گرفت^۱.

برای گذار از اقتصاد نفتی به اقتصاد مقاومتی باید ابتدا محیط کسب و کار متحول شود. وضعیت محیط کسب و کار در بهبود و یا رکود ساختار اقتصادی یک کشور اهمیت به‌سزایی دارد با توجه به شرایط اقتصادی ایران و وجود رکود تورمی و تحریم‌های بین‌المللی، نیاز به توجه مناسب در زمینه کسب و کار بسیار احساس می‌شود. بر این اساس، تقویت هر یک از مؤلفه‌های چارچوب مفهومی محیط کسب و کار را می‌توان به‌عنوان الگوی راهبردی و جامع حمایت از تولید مطرح نمود.

در همه کشورها کسب و کار به دو شیوه ایجاد می‌شود، شیوه اول ایجاد فرصت‌های نوآورانه برای کارآفرینان است تا آنان به ابداع و خلق جدید روش، ابزار، بازار و یا هر نوآوری دیگر در فرایند کسب و کار بپردازند. شیوه دوم فرصت‌های آربیتراژ فنی است که کارآفرینان با تقلید از نوآوری دیگران کسب و کارشان را ایجاد می‌کنند. گزارشات نشان می‌دهد ایران به‌عنوان یک کشور صادرکننده نفت در گروه کشورهایی است که شاخص فرصت‌های نوآورانه کمتر و مساوی عدد یک و شاخص فرصت‌های آربیتراژ بیش‌تر از عدد یک دارند. به عبارت دیگر از شاخص بهره‌برداری از فرصت‌های نوآوری بالایی برخوردار نبوده و از فرصت‌های آربیتراژ فنی نیز به خوبی بهره‌برداری نشده و با فاصله از مرز تولید جهانی فعالیت نموده است^۲.

۱. رضایی و قوامی (۱۴۰۲).

2. Dempere and et al (2023)

تحقیقات نشان می‌دهد که به وجود آمدن کارآفرینی و نوآوری هیچ کدام تصادفی نیست بلکه نتیجه تفاوت در محیط کشورها است. بسیاری از کتاب‌ها و مقاله‌های انگیزشی افراد جامعه را به عنوان بزرگ‌ترین مانع برای موفقیت معرفی می‌کنند اما حقیقت آن است که سرنوشت بسیاری از کسب و کارها را محیط پیرامون تعیین می‌کند و به عبارتی خلاقیت از ارتباط با محیط حاصل می‌شود. یکی از عوامل تأثیرگذار بر فعالیت‌های اقتصادی هزینه انجام این فعالیت یا کسب و کارها است هزینه‌های بالای کسب و کار موجب بالا رفتن بهای تمام شده محصولات و کاهش رقابت‌پذیری آن‌ها به ویژه در مقایسه با کالاهای مشابه خارجی می‌گردد بخشی از این هزینه‌ها مربوط به مراحل انجام خود کسب و کار یا عوامل خرد و بخشی دیگر مربوط به حوزه خارج از کنترل صاحبان کسب و کار یا عوامل کلان می‌باشد که به طور عمده تحت تأثیر فعالیت و دخالت دولت‌ها است.

محیط کسب و کار به عنوان حلقه ارتباطی میان محیط خرد و کلان اقتصادی در ادبیات اقتصادی مطرح است و از آنجا که رشد و توسعه اقتصادی از مهم‌ترین اهداف هر کشوری است یکی از چالش‌های اساسی رشد اقتصادی، مهیا شدن محیطی است که کارگزاران اقتصادی اعم از بنگاه‌ها و سرمایه‌گذاران، در آن مشغول فعالیت و کسب و کار باشند. محیط کسب و کار مناسب، فضای بهره‌وری و رقابت شرکت‌ها را بهبود می‌بخشد و بهره‌وری و کارایی شرکت‌ها موجب افزایش درآمد و رشد مالیات‌ها گردیده و با تأمین منابع مالی به دولت یاری می‌رساند از سویی دیگر پیامد محیط نامناسب کاهش رقابت‌پذیری بنگاه‌ها و گسترش بخش غیررسمی است که کاهش درآمد مالیاتی دولت و قرار گرفتن بنگاه‌ها در رقابت ناسالم را به دنبال دارد و از طرفی فعالان غیررسمی از منابع تأمین مالی رسمی محروم‌اند و نهایتاً فرایند تولید و سیاست‌گذاری اقتصادی را به هم می‌ریزد و موجب بازدارندگی تولید می‌شود.

بر اساس گزارش‌های سالیانه انجام کسب و کار که از سال ۲۰۲۲ توسط بانک جهانی منتشر می‌شوند، جمهوری اسلامی ایران که از سال ۲۰۰۶ تاکنون در این رتبه‌بندی قرار گرفته است نتوانسته به جایگاه مطلوبی در این گزارشات دست یابد. رتبه ایران در طی این دوره بهبود نمود اما این بهبود پایدار نبوده و عملکرد دولت در بهبود محیط کسب و کار همچنان کم‌اثر بوده و نتوانسته به وظیفه قانونی خود در ماده چهار قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار به طور موثری عمل کند.^۱

با توجه به آنچه گفته شد برای تدوین هر مدل و برنامه‌ای جهت کمک به بهبود محیط کسب و کار باید به مسائل و چالش‌ها نگرش ریشه‌ای داشت و به راه‌حل‌های اصولی و اساسی توجه نمود. تحقیق حاضر به دنبال آن است تا با شناخت و تعیین مهم‌ترین عوامل موثر بر محیط کسب و کار و توجه به چالش‌های آن راهکارهای مناسب را در حوزه محیط کسب و کار برای حمایت از تولید در جهت تحقق اقتصاد مقاومتی ارائه نماید.

۲. ادبیات نظری تحقیق

اقتصاد مقاومتی، اقتصادی پایدار است و از ظرفیت موجود در بهترین شکل آن بهره می‌گیرد و از منابع خود به‌طور کارا و مسئولانه استفاده می‌کند و عایدی بلندمدت را مورد توجه قرار می‌دهد. افزون بر ویژگی‌های بالا، اقتصاد مقاومتی دارای استحکام متقابل است یعنی هم اقتصاد تقویت شده و هم تقویت اقتصاد موجب شکست ناپذیری آن می‌شود و به دنبال عمق بخشی به فعالیت‌های اقتصادی با ایجاد پایه‌های محکم، مشارکت و تعاون و اقدام متقابل است. این ویژگی در مقابل فردگرایی است. در کنار ویژگی‌های یادشده، اقتصاد مقاومتی دارای اقتصاد کلان باثبات است. به عبارتی، آسیب‌پذیری این اقتصاد از شوک‌های خارجی حداقل و مسیر رشد اقتصادی در این اقتصاد باز است و نااطمینانی در آن به حداقل می‌رسد. در اقتصاد مقاومتی، اقتصاد در تعادل است؛ یعنی تراز پرداخت‌ها با کسری مواجه نیست، بلکه صادرات بیش از واردات است و گرچه واردات هم برای تأمین مواد اولیه تولید افزایش می‌یابد، بیکاری و تورم در حد طبیعی است. افزون بر این، اقتصاد مقاومتی دارای مدل و نهادهای مقاوم است و سیستم اقتصادی در آن، توانایی مقابله با تغییرات را به شکلی که حالت باثبات اولیه حفظ شود، دارد. اقتصاد مقاومتی نه تنها از ویژگی اقتصاد تاب‌آور برخوردار است، بلکه ویژگی‌های دیگری نیز دارد؛ یعنی آسیب‌پذیر، شکننده و ناپایدار نیست.

کسب و کار و سرمایه‌گذاری در هر کشور مستلزم فراهم بودن محیط نهادی مناسب و امنیت بخش در آن کشور است. صاحبان سرمایه، سرمایه‌های خود را در کشوری به کار خواهند انداخت که علائم و نشانه‌های امنیت اقتصادی به خوبی در آن قابل مشاهده باشد. سیاستگذاران و برنامه‌ریزان هر جامعه باید به‌طور مستمر وضعیت امنیت اقتصادی و

سرمایه‌گذاری در آن جامعه را اندازه‌گیری و کنترل کنند و براساس نتایج حاصل از این اندازه‌گیری‌ها، تمهیدات لازم را برای جذب سرمایه و بهبود در محیط کسب و کار به وجود آورند.^۱ صاحب نظران بسته به معیارهای متفاوتی، محیط کسب و کار را تعریف نموده‌اند. در زیر به برخی از این تعریف‌ها اشاره می‌شود.

الف) محیط در دیدگاه صاحب نظران علوم سازمانی

تئوری پردازان حوزه سازمان و مدیریت، غالباً نگاهشان به محیط از طریق نظریه سیستمی توسعه یافته است. آن‌ها معتقداند که هر کسب و کار یک سازمان است و هر سازمانی در یک محیط خاص فیزیکی، فناوری فرهنگی و اجتماعی قرار دارد سازمان‌ها برای بقاء ناگزیر به برقراری ارتباطات با سیستم‌های بزرگ‌تری هستند که خود جزئی از آن‌ها هستند. محققین علوم سازمانی به تحلیل محیط در ابعاد مختلف ظرفیت محیط، همگونی و ناهمگونی عوامل، محیط پایدار و ناپایدار، پراکندگی عوامل در محیط و محیط متشنج پرداخته‌اند.^۲

ب) محیط در تئوری‌های اقتصادی

از آنجا که علم اقتصاد به بررسی عرضه و تقاضا در بازار می‌پردازد، کسب و کارها به عنوان عواملی دیده می‌شوند که در این واکنش‌ها اثر قابل توجهی دارند. محیط کسب و کار محیطی است که یک کسب و کار چیزهایی از آن تقاضا می‌کند و چیزهایی به آن عرضه می‌کند و در تعاملات بازار اثر می‌گذارد از سویی دیگر تصمیمات و الگوهای هدایت اقتصاد توسط دولت به عنوان یکی از اثرگذارترین عاملان بر محیط کسب و کار دیده شده است. در این تعریف محیط مجموعه عواملی است که بر شکل‌گیری، تداوم و عملکرد بنگاه تأثیرگذار است و تغییر آن‌ها برای مدیران بنگاه‌های اقتصادی بسیار هزینه‌بر و یا غیرممکن است. محیط کسب و کار محل تبادل و تأمین داده‌ها و ستاده‌های کار و فعالیت بنگاه‌های اقتصادی است از این رو نقش سرنوشت‌سازی در حیات و بقای سازمان‌ها و شرکت‌ها در دوره عمر آن‌ها بر عهده دارد.^۳

۱. حسین‌زاده بحرینی و ملک‌الساداتی (۱۳۸۹).

2. He and Yao (2022).

3. Kato (2010).

پ) محیط کسب و کار از نگاه سیستم

کسب و کار به مجموعه فرایندهای تأمین، تولید و توزیع کالا و خدمات گفته می‌شود که این فرایندها معمولاً به منظور کسب سود صورت می‌گیرند بنابراین محیط کسب و کار مجموعه عناصری است که یک سازمان کسب و کار را احاطه کرده است.

بر طبق نظریه سیستمی، سازمان‌ها که همان سیستم‌های باز هستند در یک فراگرد مستمر، منابع ورودی را به محصولات و خروجی تبدیل می‌کنند و این کار در تعامل با محیط صورت می‌گیرد. این نگرش بر حفظ ارتباط محیط خارجی با محیط داخلی سازمان تأکید ویژه دارد چرا که محیط خارجی هم منشأ تأمین منابع ورودی است و هم مصرف‌کننده خروجی‌های کسب و کار. محیط با تأمین بازخورد از مشتریان به بهبود عملکرد کسب و کار کمک می‌کند.

ت) محیط در مدیریت استراتژیک

محیط از منظر بنگاه به دو بخش محیط داخلی و محیط خارجی تقسیم می‌شود، محیط داخلی، مجموعه‌ای از عوامل داخل سازمان که ارتباطی متقابل با هم دارند و تحت کنترل و اراده بوده و با محیط خارجی نیز در تعامل هستند. شامل ساختار سازمانی، فرهنگ سازمانی، منابع، سیستم‌های سازمانی، واحدهای سازمانی، فناوری سازمانی، هدف‌ها، برنامه‌ها، استراتژی‌ها و منابع سازمانی است. محیط خارجی، مجموعه‌ای از عوامل که اصولاً خارج از کنترل و اراده بنگاه هستند که به دو بخش تقسیم می‌شود: محیط نزدیک (عملیاتی) که به طور مستقیم بر سازمان اثر می‌گذارد شامل عرضه‌کنندگان، مشتریان، سهام‌داران، رقبا و تأمین‌کنندگان. و محیط دور (اجتماعی) شامل نیروهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، حقوقی فناوری‌کی، جمعیتی و اقلیمی که مستقیم نیست اما بنیادی‌تر هستند^۱.

ادبیات موجود در رابطه با موضوع این تحقیق و در حوزه عوامل و موانع رونق تولید و بهبود در محیط کسب و کار به دو دسته عمده تقسیم می‌شود: دسته نخست مستقیماً شناسایی متغیرهای اقتصادی و نهادی و سنجش یا مقایسه آن‌ها را هدف گرفته‌اند و دسته دوم، بررسی رابطه میان متغیرهای مزبور با بهبود در محیط کسب و کار و رونق تولید را در دستور کار خود قرار داده‌اند و البته این دو جریان، در تحقیقات زیادی با یکدیگر پیوند خورده‌اند. در این پژوهش‌های

تلفیقی، نخست متغیرهای اقتصادی و نهادی شناسایی و اندازه‌گیری شده و سپس، معنی‌دار بودن یا نبودن ارتباط میان متغیرهای مزبور با متغیرهای معطوف به تولید مورد آزمون قرار گرفته است که می‌توان این دسته را نوع سومی از پژوهش‌های موجود در ادبیات موضوع دانست.

۱-۲. عوامل موثر بر محیط کسب و کار

بر اساس مطالعات، عوامل اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، سیاسی- حقوقی و فناوری متعددی به‌طور مستقیم و غیر مستقیم بر محیط کسب و کار اثرگذار است. که در بین این نظریات مختلف، نظر عمومی شین، مجموعه عوامل موثر بر محیط کسب و کار را به دو دسته کلی محیط نهادی و محیط اقتصادی تقسیم می‌نماید. که در ادامه توضیح خواهیم داد.

الف) محیط نهادی

محیط نهادی، یکی از مهم‌ترین عناصر چارچوب نهادی- ساختاری است که یک سیستم اقتصادی را شکل می‌دهد. و مجموعه‌ای متشکل از نهادها می‌باشد که در جوامع مختلف با توجه به نحوه انجام وظایف خود می‌توانند به محیطی کارا و یا ناکارا تبدیل شوند. نهادها به مثابه‌ی قواعد بازی در یک جامعه هستند و محیط نهادی به نحوه چیدمان قواعد بازی اشاره دارد.

یک سیستم اقتصادی بر مبنای یک محیط نهادی تشکیل می‌شود و استمرار می‌یابد. به این صورت که محیط نهادی این قواعد بازی را هم برای سازوکار دولت و هم برای سازوکار بازار فراهم می‌آورد و ساختار و روابط میان دولت و بازار را در سیستم اقتصادی تعیین می‌کند. از نظر اقتصاد نهادگرایی یک اقتصاد موفق نتیجه ترکیب بهینه‌ای از نهادهای بازار، دولت و نهادهای مدنی است^۱.

محیط نهادی می‌تواند اثرات مثبت یا منفی دوگانه‌ای (مستقیم و غیرمستقیم) بر عملکرد محیط اقتصادی داشته باشد. در رویکرد نهادگرا بر اهمیت نهادها برای موفقیت اقتصادی تأکید شده که تاریخ آن حداقل به نظریات آدام اسمیت برگشته و سایر اقتصاددانان معاصر هم چون نورث (۱۹۹۰)، هال و جونز (۱۹۹۹)، جانسون و روینسون (۲۰۰۵) نیز به این موضوع اشاراتی داشته‌اند.

عوامل محیط نهادی شامل: محیط سیاسی، محیط حقوقی، محیط فرهنگی، محیط آموزشی و علمی، محیط فناوری و نوآوری و ساختار دولت می‌شود.

ب) محیط اقتصادی

محیط اقتصادی شامل منابع پول، طبیعی و انسانی می‌شود که بر رفتار افراد و گروه‌ها اثر می‌گذارد و خود تحت تأثیر محیط نهادی قرار می‌گیرد. محیط اقتصادی در سطح محلی، ملی و بین‌المللی، الگوهای مصرف و تولید میلیون‌ها انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در بلندمدت به‌طور چشم‌گیری بر شیوه زندگی و رفاه تمام ملت‌ها موثر است.^۱

عوامل محیط اقتصادی شامل محیط اقتصاد کلان، محیط مالی، محیط جغرافیایی (زیرساختار و خوشه‌های صنعتی) و ساختار تولید (صنایع و کشاورزی) است.

محیط این دو مجموعه عوامل توسعه شرکت‌ها را در سطوح محلی، ملی و فراملیتی تحت تأثیر قرار می‌دهد و بر کسب و کارهای موجود و بر فرایند کارآفرینی که در واقع نقطه آغاز کسب و کار است اثر می‌گذارد.

۲-۲. ماهیت نظری اقتصاد مقاومتی و محیط کسب و کار

در سال ۱۳۸۹، رهبر معظم انقلاب، ایده اقتصاد مقاومتی را مطرح فرمودند. بر اساس ابلاغیه رهبر معظم انقلاب در ۲۹ بهمن ۱۳۹۲، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی پیرامون مولفه‌های کلیدی زیر استوار شده است^۲: رویکرد جهادی، اقتصادی، درون‌زا، برون‌گرا، مردمی، دانش‌بنیان و عدالت‌بنیان. یکی از بحث‌های مهمی که در الگوی اقتصاد مقاومتی مطرح شده است، درون‌زایی است. درون‌زایی به معنای استفاده از ظرفیت‌های داخلی و افزایش تولید داخل است. با توجه به این مفهوم اقتصاد مقاومتی بر کاهش وابستگی‌ها، استفاده از مزیت‌های تولید داخل و کوشش برای خود اتکایی توجه دارد. سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با هدف تأمین رشد پویا و بهبود شاخص‌های مقاومت اقتصادی و دستیابی به هدف‌های سند چشم‌انداز بیست‌ساله، ابلاغ شده است.

1. Schoenberg and et al (2013).

۲. مقام معظم رهبری (۱۳۹۲).

بهبود فضای کسب و کار باعث افزایش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، ایجاد اشتغال و رشد تولید ناخالص داخلی می‌شود. همان‌طور که بیان شد توجه به مولفه درون‌زایی اقتصاد مقاومتی می‌تواند باعث افزایش تولید داخلی و در نتیجه دست‌یابی به رشد و توسعه پایدار شود. بنابراین می‌توان به ارتباط بسیار نزدیک بین بهبود فضای کسب و کار و رشد اقتصادی پی‌برد؛ به طوری که با وجود بهبود فضای کسب و کار، تسریع رشد اقتصادی را در پی خواهد داشت از این‌رو می‌توان گفت که با داشتن فضای مناسب برای کسب و کار، انگیزه فعالان اقتصادی به تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات پدید خواهد آمد. در نتیجه هرچه فضای کسب و کار در کشورها شفاف‌تر و رقابتی‌تر باشد به افزایش سلامت اقتصادی کشورها و اتخاذ سیاست‌های مطلوب انجامیده و روند بهبودی شاخص‌های اقتصادی، از جمله رشد و توسعه اقتصادی که از مهم‌ترین هدف اقتصاد مقاومتی است، پدید خواهد آمد!

۲-۳. اهمیت تولید داخلی در اقتصاد مقاومتی

سال ۱۳۹۶ با اهمیت دادن به یکی از مهم‌ترین مولفه‌های اقتصاد مقاومتی «تولید- اشتغال» توسط مقام معظم رهبری، به‌عنوان اشعار و دستورالعمل اجرایی سال، در صدر مطالبات رهبری از مسئولان و دست‌اندرکاران نظام و مردم قرار گرفت. به اعتقاد رهبری راه‌حل برون رفت از مشکلات اقتصادی، عمل به اقتصاد مقاومتی است؛ زیرا اقتصاد مقاومتی یک مجموعه است اگر بتوان این مجموعه را تجزیه کرد و در هر فرصت زمانی بر روی بخشی از مسائل مهم آن تکیه بیش‌تری در کشور انجام بگیرد مطمئناً نتایج خوبی از آن به‌دست خواهد آمد^۲.

۲-۴. الزام اقتصاد مقاومتی به اتکا بر تولید داخلی

در راستای توجه به اهمیت اقتصاد مقاومتی ابعاد زیر برای پیاده‌سازی آن الزامی است.

الف) ایجاد زمینه و بستر برای بهره‌گیری از خلاقیت و نوآوری

آن‌چه در عصر گسترش علوم، فنون و حاکمیت صنایع و تکنولوژی بیش از هرچیز اهمیت دارد، خلاقیت و نوآوری است. خلاقیت یعنی به کارگیری توانایی‌های ذهنی برای تبلور یک فکر یا

۱. بارانی بیرانوند (۱۳۹۷).

۲. مقام معظم رهبری (۱۳۹۶).

مفهوم جدید. به عبارت دیگر، خلاقیت عبارت است از توانایی تلفیق ایده‌ها به شیوه‌ای منجر به خرد برای برقراری ارتباط غیر معمول بین ایده خلاق و تبدیل آن به یک محصول، خدمت یا شیوه مفید^۱.

نوآوری، یعنی به کارگیری ایده‌های نوین ناشی از خلاقیت و تبدیل آن به محصول و روش‌های جدید عملیات^۲.

بر این اساس ضرورت ایجاد خلاقیت و نوآوری در بنگاه‌های تولیدی، سازمان‌ها و مشاغل برای افزایش رقابت و بهبود شرایط کاری و افزایش بهره‌وری، امری انکارناپذیر است. بنابراین خلاقیت و نوآوری و مدیریت آن، یک نیاز راهبردی برای نجات اقتصاد کشور به شمار می‌آید.

ب) تأثیر تولید داخلی در رشد و توسعه خلاقیت و نوآوری

در دیدگاه اقتصاد مقاومتی خلاقیت و نوآوری در بستر تولید است که استعدادها و نبوغ افراد بروز و ظهور پیدا می‌کند و در خلاء که قابل انجام و دسترسی نیست. به تعبیر رهبری: یکی از سرفصل‌هایی که از تولید به دست می‌آید شکوفایی استعدادها و ابتکار جوان‌ها است وقتی که بازار تولید گرم باشد و رونق داشته باشد، استعداد جوان‌ها شکوفا می‌شود و ابتکارهایی را به میدان می‌آورد. به اعتقاد رهبری، کشور در تولید، مشکلی از لحاظ امکانات نداشته است؛ هم نیروی انسانی مناسب و هم ابزار پیشرفته وجود دارد و به وسیله صندوق توسعه ملی و امثال آن سرمایه‌گذاری صورت می‌گیرد.

پ) جدی گرفتن نقش مردم در حل مشکلات اقتصادی کشور

با تکیه بر تولید داخلی است که می‌توان بنگاه‌های تولیدی تعطیل شده و نیمه فعال را که با کمترین ظرفیت مشغول به کار هستند، دو مرتبه فعال و به چرخه تولید وارد نمود و از این طریق، شاغلین در این بنگاه‌ها را که نوعاً از طبقه پایین و یا متوسط جامعه هستند و به سبب عدم فعالیت بنگاه از کار بیکار شده‌اند را دوباره مشغول به کار نمود و از سوی دیگر، تا حدودی راه برای حضور افراد، برای انجام فعالیت‌های اقتصادی و در نتیجه، برداشتن بار اقتصادی کشور توسط آن‌ها باز خواهد شد.

ایجاد باور برای ایفای نقش مردم در مبارزه اقتصادی، ممانعت از شکل‌گیری انحصارات،

تقویت بدنه مردمی نظارت، شکوفایی ظرفیت‌های خلاقانه، بالا بردن توان عکس‌العمل هوشمندانه و به موقع مردم در مقابل تحریم‌ها، کاهش فشارهای روانی و رفتار صبورانه در مقابل اقدامات دشمن و... از جمله برکات حضور حداکثری مردم در اقتصاد خواهد بود. به اعتقاد رهبری، کار اصلی و برداشتن بار اقتصاد مقاومتی و رونق بخشیدن به بازار تولید و اشتغال به دست توانمند مردم و بر دوش مردم و با همدلی و همراهی مردم است. بنابراین یکی از کارها، دخالت دادن مردم در کار تولید است؛ مردم باید در کار تولید دخالت داده بشوند. البته این به این معنا نیست که دولت در قبال آن مسئولیتی ندارد چرا که دولت مسئولیت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت و کمک را دارد^۱.

ت) حل مشکل بیکاری

مقام معظم رهبری می‌فرماید: اگر ما توانستیم تولید داخلی را رونق بدهیم، اشتغال به وجود می‌آید و مشکل بیکاری که یکی از مصیبت‌های امروز کشور ما بیکاری جوانان است و نرخ بیکاری، بالا است بر طرف خواهد شد یا کاهش پیدا خواهد نمود^۲.

ث) کاهش وابستگی به درآمد فروش نفت

از آن جا که وابستگی به درآمد فروش نفت، وابستگی اقتصادی و فرهنگی را در طی سالیان متمادی در کشور به همراه داشته است، لذا باید اقتصاد نفتی و مصرفی را مهم‌ترین دشمن استقلال کشور دانست که از یک سو به شدت خود کفائی ملت ایران را نشانه رفته و از سوی دیگر فرهنگ ملت ایران را در مسیر انحطاط و ضعف قرار داده است^۳.

۲-۵. مروری بر مطالعات پیشین

صالحیون و همکاران (۱۳۹۶) به بررسی موانع کسب و کار بنگاه‌های تولیدکننده محصولات صنعتی با رویکرد اکوسیستم کسب و کار پرداخت. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که بسیاری از مشکلات و موانع توسعه کسب و کار بنگاه‌های تولیدکننده محصولات صنعتی مرتبط با اکوسیستم شکل‌دهنده بنگاه‌های تولیدکننده محصولات صنعتی و نقش‌آفرینی نامناسب بازیگران حاضر در

۱. صالحیون و همکاران (۱۳۹۶).

۲. مقام معظم رهبری (۱۳۹۶).

۳. حشمت‌زاده (۱۳۷۳).

اکوسیستم کسب و کار و تعاملات نامناسب آن‌ها با یکدیگر و راهبردهای ناموفق در شبیه‌سازی ظرفیت‌های موجود در محیط این دسته از کسب و کارها است.

بارانی بیرانوند (۱۳۹۶) به بررسی اثرات بهبود فضای کسب و کار بر مقاوم‌سازی اقتصادی پرداخت. توجه ویژه این پژوهش به تأثیر شاخص‌های فضای کسب و کار، حکمرانی خوب، آزادی اقتصادی، فلاکت اقتصادی و برخی متغیرهای کلان اقتصادی (مخارج دولت، تشکیل سرمایه، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی) بر روی شاخص‌های اقتصاد مقاومتی در قالب دو شاخص مهم رشد اقتصادی و شاخص ترکیبی اقتصاد مقاومتی کشورهای حوزه سند چشم‌انداز، است و با استفاده از مدل پنل دیتا مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج نشان می‌دهد شاخص کسب و کار و فلاکت اقتصادی بر شاخص اقتصاد مقاومتی تأثیر منفی دارد و شاخص حکمرانی خوب و آزادی اقتصادی و مخارج دولت تأثیر مثبت و معناداری بر شاخص‌های اقتصاد مقاومتی دارد اما تشکیل سرمایه ثابت ناخالص داخلی بر شاخص ساده تأثیر مثبت و بر شاخص ترکیبی اقتصاد مقاومتی تأثیر منفی دارد. و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز بر شاخص ساده تأثیر منفی و بر شاخص ترکیبی اقتصاد مقاومتی تأثیر مثبت دارد.

نافچی (۱۳۹۶) به بررسی و ارائه مدل موانع موجود در بهبود فضای کسب و کار در ایران پرداخت. در این مطالعه اشاره شده که موانع زیادی در مسیر فضای کسب و کار وجود دارد و موانع در دو بعد موانع خرد و موانع کلان بررسی گردیده است اما با بررسی‌های بیشتر می‌توان موانع زیادتری را شناسایی نمود. در حال حاضر سیاست کلی واحدی برای بهبود فضای کسب و کار در ایران به اجرا در نیامده است و هماهنگی لازم میان سازمان‌ها و نهادهای درگیر وجود ندارد و شاید این عامل مهم‌ترین و تأثیرگذارترین عامل باشد. همچنین فقدان اطلاعات متقارن و پایی نبودن سطح آگاهی عمومی از قوانین و مقررات باعث شده تا میزان موفقیت در کسب و کار در ایران در سطح مناسبی قرار نداشته باشد.

مهربانی و همکاران (۱۳۹۵) به بررسی اثر فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی ایران، کشورهای MENA و OECD با استفاده از روش گشتاور تعمیم‌یافته پرداختند. نتایج این مطالعه نشان داد که کارآفرینان در ایران با محدودیت‌هایی هم‌چون سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و قانونی در فضای نااطمینانی، بی‌ثباتی در بخش کلان اقتصادی (تورم، رکود و نرخ ارز)، هزینه‌های بالای تأمین مالی (نرخ بهره)، دسترسی به وجوه مالی (وثیقه)، قوانین مالیاتی نامناسب و تبعیض آمیز،

اخذ مجوزها، عدم دسترسی به نیروی کار ماهر و تحصیل کرده، تعرفه‌های گمرکی، بالا بودن هزینه حمل و نقل و قیمت و انرژی مواجه هستند. هم‌چنین فضای کسب و کار نامناسب با افزایش هزینه‌های تولید، افزایش ریسک شروع کسب و کار، نامناسب شدن اندازه شرکت، کاهش تعامل میان شرکت‌ها، کاهش مشارکت‌های مالی و بروز اقتصاد غیررسمی بر عملکرد اقتصادی آثار منفی بر جای خواهد گذاشت.

احمدی (۱۳۹۴) به بررسی موانع تولید از منظر فضای کسب و کار در کشور پرداخت. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که عوامل عدم رفع موانع تولید و سرمایه‌گذاری، فضای بسته بدون تغییر و آزادسازی نشده قوانین و مقررات در تمام مراحل کسب و کار از شروع تا انحلال، به رسمیت نشناختن و عدم مشارکت بخش خصوصی در فرایندهای تصمیم‌سازی، هماهنگ نبودن نظام آموزشی با نیازهای بازارکار و بالا بودن ریسک سرمایه‌گذاری از عواملی است که تقاضای بازار را غیرمنعطف و با مشکل مواجه نموده و باعث شده تا شاخص‌های سهولت کسب و کار در ایران در سال‌های مورد بررسی امیدوارکننده نباشد و با وجود اقدامات صورت گرفته هم‌چنان جایگاه ایران در عرصه مقایسه کشوری در دنیا و در میان کشورهای منطقه نامناسب باشد. از پیامدهای اقتصادی بی‌توجهی به بهبود محیط کسب و کار، افزایش نرخ بیکاری در مناطق شهری به ویژه در میان جوانان تحصیل کرده و زنان و افزایش فاصله این نرخ بین استان‌های کشور است به طوری که این نرخ در برخی استان‌ها در حد نگران‌کننده‌ای بالا است.

اکبری و همکاران (۱۳۹۲) به بررسی فرا تحلیل بهبود محیط کسب و کار در ایران با تأکید بر سرمایه‌گذاری پرداختند. در این مطالعه مهم‌ترین عواملی که در مطالعات به‌عنوان عامل موثر بر بهبود فضای کسب و کار شناخته شده‌اند را معرفی نموده‌اند. نظام مالیاتی، نظام حقوقی و قضایی، دسترسی به تسهیلات مالی، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون، نااطمینانی نرخ ارز و نرخ تورم، بازار سرمایه، فن‌آوری اطلاعات و ارتباطات و ایجاد بانک اطلاعاتی ملکی بوده است. و از سایر عوامل مانند اندازه دولت، نظام بروکراسی، سرمایه اجتماعی، نهادهای مالی و... غفلت شده است. شاخص‌هایی که بیش‌ترین تأثیر را بر بهبود سرمایه‌گذاری دارند، شاخص‌های حمایت از سرمایه‌گذاران، اجرای قراردادهای و پرداخت مالیات است و شاخص‌هایی که بیش‌ترین مانع را ایجاد نمودند، حمایت سرمایه‌گذاری، تجارت خارجی و پرداخت مالیات است.

جود هیاف و همکاران (۲۰۱۸) در مقاله‌ای به بررسی رابطه مقررات فضای کسب و کار و

رشد اقتصادی برای ۱۶۲ کشور در دوره ۲۰۰۷ - ۲۰۱۵ پرداختند. آن‌ها با استفاده از ده شاخص انجام کسب و کار دریافتند که یک لینک ارتباطی بسیار قوی بین شاخص‌های کسب و کار بجز تجارت برون مرزی و دریافت معجز ساخت‌وساز، با رشد اقتصادی وجود دارد. هم‌چنین یافته‌های آن‌ها حاکی از آن است که سیاست‌ها در جهت بهبود مقررات کسب و کار به رشد سریع‌تر کشورهای فقیر می‌انجامد.

کالی و سن (۲۰۱۵) به بررسی اثر سیاست‌های دولت بر محیط کسب و کار و رشد اقتصادی با استفاده از رگرسیون‌های رشد استاندارد و داده‌های تابلویی پویا در کشور هندوستان پرداختند. نشان می‌دهند که اصلاح‌های اثرگذار دولت در محیط کسب و کار به‌طور قابل توجهی بر روی رشد اقتصادی اثرگذار بوده و تعامل بین دولت و بخش خصوصی است که به‌طور چشم‌گیری باعث هدایت روند رشد اقتصادی می‌شود.

پرفمن و همکاران (۲۰۰۰) روند سرمایه‌گذاری خصوصی در کشورهای درحال توسعه و موانع کسب و کار را در ۴۷ کشور مورد بررسی قرار دادند که نتایج بررسی آن‌ها حاکی از افزایش سرمایه‌گذاری خصوصی و کاهش سرمایه‌گذاری دولتی در دوره ۱۹۸۵-۱۹۹۷ بوده است. هم‌چنین در ادامه به بررسی موانع کسب و کار و تأثیر سرمایه‌گذاری خصوصی بر شاخص‌های فضای کسب و کار پرداخته شده که نتایج نشان می‌دهد که قواعد قانونی، نرخ ارز واقعی، قابلیت پیش‌بینی سیستم‌های قضایی و اعتباراتی که در اختیار کسب و کار قرار می‌گیرد از جمله عوامل اثرگذار بر سطح سرمایه‌گذاری خصوصی می‌باشد.

داردیا و همکاران (۱۹۹۹) فهرستی از دسته‌بندی اصلی از عوامل و شاخص وزنی مربوط به فضای کسب و کار در کالیفرنیا برای گرانت تورنتون و شرکت توسعه سرمایه‌گذاری CED ارائه شده است. بر اساس این فهرست بررسی‌های گرانت تورنتون بیش‌تر متمرکز بر هزینه‌های تولید است در این شاخص وضع مالیات با اینکه تأثیر منفی بر رونق کسب و کار داشته موجب بهبود زیرساخت‌ها گردیده بررسی‌های CED تلاش دارد از فضای کسب و کار در هر ایالت ارزیابی جامعی داشته باشد در این شاخص بیش‌ترین توجه بر سیاست‌های اجتماعی است زیرا در نزد رهبران کسب و کار مسائل اجتماعی از ارزش بالایی برخوردارند هم‌چنین با توجه به تحقیقات انجام شده توسط این محققان سطوح دستمزد بر عملکرد اقتصادی بسیار موثر بوده است کیفیت کار انجام گرفته توسط نیروی کار محلی نیز یکی از اجزای مهم در فضای کسب و کار به شمار می‌آید.

۳. روش شناسی تحقیق

روش تحقیق، توصیفی تحلیلی، و از نظر جهت‌گیری، توسعه‌ای است. روش جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای است. در پژوهش حاضر با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای شامل کتب، پایان‌نامه‌های تحصیلی و مقالات داخلی و خارجی مرتبط، ادبیات موضوع جمع‌آوری شده است. روش تجزیه و تحلیل داده‌های به صورت دلفی خواهد بود. روش دلفی را می‌توان به عنوان روشی برای ساختاردهی یک فرآیند ارتباطات گروهی دانست به طوری که این فرآیند، به گونه‌ای موثر به مجموعه افراد به عنوان یک کل، امکان می‌دهد تا با یک مسئله پیچیده مواجه شوند. تعاریف گوناگونی برای روش دلفی ارائه شده است. در ادامه به چند مورد از تعاریف معتبر و رایج ارائه شده است:

- روش دلفی فرآیندی ساختاریافته برای جمع‌آوری و طبقه‌بندی دانش موجود نزد گروهی از خبرگان است که از طریق توزیع پرسشنامه در بین این افراد و بازخورد کنترل شده پاسخ‌ها و نظرات دریافتی صورت می‌گیرد^۱.
- روش دلفی رویکردی یا روشی سیستماتیک در تحقیق برای استخراج نظرات یک گروه از متخصصین در مورد یک موضوع یا پرسش است^۲.

عناصر تشکیل دهنده روش دلفی

(۱) تیم طراحی، اجرا و نظارت بر انجام دلفی: تعداد اعضای این تیم بر اساس نوع پژوهش و میزان پیچیدگی آن می‌تواند از یک نفر تا ده نفر باشد. مسئولیت این تیم در حقیقت طراحی سوالات پرسشنامه، دستورالعمل نحوه پاسخگویی به سوالات، ارسال پرسشنامه به خبرگان (شرکت‌کنندگان)، تجزیه و تحلیل پرسشنامه‌های تکمیل شده و ارائه بازخورد نتایج به خبرگان است. اعضای این تیم در حقیقت باید با موضوع پژوهش و روش‌های آماری آشنایی داشته از مهارت ارتباط موثر با خبرگان برخوردار باشند.

(۲) شرکت‌کنندگان در دلفی: منظور خبرگان و کسانی هستند که قرار است پرسشنامه‌های دلفی را تکمیل کنند یا همان گیرندگان پرسشنامه هستند. کیفیت نتایج پژوهش تا حد زیادی به دانش و تخصص و توانایی شرکت‌کنندگان (خبرگان) بستگی دارد.

1. Adler and Ziglio (1996).

۲. رحمانی و همکاران (۱۳۹۹).

۳) ابزار گردآوری و تحلیل داده‌ها: ابزارهای گوناگونی برای به دست آوردن داده‌های پژوهش وجود دارد که از آن جمله می‌توان به پرسشنامه، مشاهده، مصاحبه و بررسی اسناد و مدارک اشاره کرد. هر یک از این ابزارها معایب و مزایایی دارند که هنگام استفاده از آنها باید مورد توجه قرار گیرد تا اعتبار پژوهش دچار خدشه نشود. هر محقق باید بر اساس ماهیت مساله مورد پژوهش خود یک یا چند ابزار را بکاربگیرد. معمولاً در روش دلفی از پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده می‌شود.

۳-۱. روش دلفی فازی

به علت ضعف‌های روش دلفی معمولی یا سنتی از قبیل احتمال حذف نظرات برخی از خبرگان در پژوهش و همگرایی پایین آن و همچنین به علت اینکه روش دلفی متکی بر قضاوت ترجیحی خبرگان است و قضاوت‌های خبرگان نیز از قطعیت کامل برخوردار نیستند، بنابراین نیاز به روش دیگری احساس شد که اولاً بتواند قضاوت همه خبرگان را در بر گیرد و از طرف دیگر قضاوت‌های ترجیحی خبرگان را نیز به‌طور مناسبتری لحاظ کند. بنابراین با توجه به ضعف‌های روش سنتی دلفی پژوهشگران به دنبال ارائه روشی بودند که بتواند از کارایی بهتری برخوردار باشد. بر همین اساس اولین بار در سال ۱۹۸۸ روش دلفی فازی توسط کافمن و گوپتا معرفی شد. در روش دلفی فازی سعی شده است روش دلفی سنتی با مفاهیم تئوری فازی ترکیب شود.^۱ گام تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش دلفی فازی خود شامل چندین مرحله است که در زیر به ترتیب ارائه شده است:

مرحله ۱) جمع‌آوری نظرات خبرگان: در این مرحله همانند روش دلفی سنتی به جمع‌آوری نظرات خبرگان پرداخته می‌شود. در این روش از متغیرهای زبانی برای طراحی پرسشنامه استفاده می‌شود.

مرحله ۲) محاسبه ارزش فازی هر سوال: پس از جمع‌آوری نظرات خبرگان در این مرحله بر اساس داده‌های جمع‌آوری شده به محاسبه ارزش فازی هر یک از سوالات (شاخص‌ها) پرداخته می‌شود. برای محاسبه ارزش فازی هر یک از سوالات به ترتیب زیر عمل شده است:

با فرض اینکه ارزش فازی هر یک از سوالات به صورت $\bar{A}_j = (L_j \cdot M_j \cdot U_j)$ نمایش

داده شود، به طوری که L_j حد پایین، M_j حد وسط و U_j حد بالای این عدد فازی باشد خواهیم داشت:

$$L_j = \text{Min}(x_{ij}) \quad i = 1.2. \dots n \quad j = 1.2. \dots m$$

$$M_j = \left(\prod_{i=1}^{n,m} x_{ij} \right)^{\frac{1}{n}} \quad i = 1.2. \dots n \quad j = 1.2. \dots m$$

$$U_j = \text{Max}(x_{ij}) \quad i = 1.2. \dots n \quad j = 1.2. \dots m$$

که مفهوم هر یک از متغیرها و پارامترهای ارائه شده در روابط بالا به صورت زیر است:

L_j : حد پایین ارزش فازی سوال یا شاخص زام پرسشنامه، که برابر است با کوچکترین مقداری که خبرگان به سوال (شاخص) زام تخصیص داده‌اند.

M_j : حد وسط ارزش فازی سوال یا شاخص زام پرسشنامه، که برابر است با میانگین هندسی کلیه نظرات خبرگان برای سوال (شاخص) زام.

U_j : حد بالای ارزش فازی سوال یا شاخص زام پرسشنامه، که برابر است با بزرگترین مقداری که توسط خبرگان به سوال (شاخص) زام تخصیص داده شده است.

x_{ij} : مقدار تخصیص داده شده توسط خبره i ام به شاخص زام.

\bar{A}_j : ارزش فازی مثلثی سوال یا شاخص زام.

نکته: همان‌طور که مشاهده می‌شود در روش فازی همه نظرات خبرگان در محاسبه ارزش فازی هر سوال مشارکت داده می‌شوند.

مرحله ۳) تبدیل ارزش فازی به دست آمده برای هر یک از سوالات به مقدار دی فازی شده (S_j):

پس از محاسبه ارزش فازی هر یک از سوالات پژوهش برای اینکه بتوانیم نسبت به هر یک از

سوالات قضاوت کنیم باید ابتدا ارزش فازی به دست آمده برای هر یک از سوالات را دی فازی

نمود تا امکان مقایسه و ارزیابی به وجود آید. برای دی فازی کردن ارزش فازی هر سوال روش‌ها

و روابط متعددی ارائه شده است که در زیر دو نمونه از آن ارائه شده است:

روش ۱ و ۲	
$S_j = \frac{L_j + M_j + U_j}{3}$	روش ۱
$S_j = \frac{L_j + 2 \times M_j + U_j}{4}$	روش ۲

گام ۴) ارزیابی سوالات بر اساس حد آستانه‌ای (I): پس از محاسبه مقدار دی فازی (قطعی) شده هر یک از سوالات (شاخص‌ها) باید به ارزیابی میزان اهمیت آنها پرداخت. برای ارزیابی اهمیت هر یک از سوالات یک قاعده مشخص و ثابتی وجود ندارد. اما متداول است که از یک حد آستانه‌ای (I) برای ارزیابی اهمیت هر یک از سوالات استفاده می‌شود. بنابراین براساس مقدار حد آستانه‌ای دو حالت ایجاد می‌شود:

- اگر $S_j \geq r$ باشد به این مفهوم است که سوال (شاخص) زام از اهمیت بالایی برخوردار است.
- اگر $S_j < r$ باشد به این مفهوم است که سوال (شاخص) زام از اهمیت کمی برخوردار است. که به علت اهمیت کم این سوالات می‌توان آنها را حذف کرد.

در این پژوهش پژوهشگران به دنبال شناسایی چالش‌ها و راهکارهای مهم در خصوص حمایت از تولید ملی در حوزه محیط کسب و کار در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی هستند به همین منظور بر اساس نظر گروه تحقیق (شامل استاد راهنما و مشاور و محقق) برای شناسایی شاخص‌های مهم از مقدار دی فازی شده سوالات به همراه میانگین طیف پرسشنامه (به‌عنوان شاخص آستانه) استفاده می‌شود. به عبارت دیگر چالش‌ها یا سوالاتی که مقدار دی فازی شده آنها بزرگتر مساوی میانگین طیف پرسشنامه (شاخص آستانه) باشد به‌عنوان شاخص‌های مهم و تأثیرگذار شناخته می‌شوند و شاخص‌ها یا سوال‌هایی که مقدار دی فازی شده آنها کمتر از مقدار میانگین طیف باشد به‌عنوان چالش‌های کم اثر یا کم اهمیت شناخته می‌شوند. هدف تحقق تنها شناسایی شاخص‌های مهم و اثرگذار است به همین منظور در پژوهش شاخص‌های کم اهمیت حذف می‌شوند.

همچنین در مورد سطح اجماع یا توافق نیز بر اساس نظرات تیم تحقیق قرار شد زمانی که

۷۰ درصد پاسخ دهندگان جواب یکسانی به یکی از گزینه‌های پاسخ برای هر سوال بدهند، بپذیریم که توافق نظر (اجماع) در مورد آن سوال حاصل شده است. شرط توقف دلفی در این پژوهش این است که سه شرط زیر برقرار شود:

۱. همه شاخص‌ها یا سوالات مهم شناخته شوند.

۲. شاخص جدیدی توسط خبرگان ارائه نشود.

۳. توافق نظر (اجماع) در مورد سوالات نیز حاصل شود.

در این پژوهش ابتدا خبرگان حوزه شناسایی شد و سپس از آنها خواسته شد تا متخصصان و خبرگان دیگر که به حوزه تحقیق اشراف دارند را معرفی کنند. با استفاده از نظرات آنها لیستی از ۱۲ خبره شناسایی شد که در زمینه مورد مطالعه تخصص داشتند.

در ادامه با استفاده از مطالعه ادبیات پژوهش لیستی از عوامل یا چالش‌هایی را که در حوزه حمایت از تولید ملی موثر بودند شناسایی گردید. سپس یک غربال اولیه انجام شد و شاخص‌های تکراری یا مترادف (بر اساس معیار ضریب همبستگی) حذف شدند که در نهایت تعداد ۲۲ مورد چالش و راه‌کار شناسایی شد. پس از شناسایی راه‌کارها و چالش‌های پژوهش به طراحی پرسشنامه و سوالات پژوهش بر اساس این چالش‌ها اقدام شد. پرسشنامه طراحی شده در این مرحله را پرسشنامه اولیه یا پرسشنامه دور اول روش دلفی می‌نامند.

پس از طراحی پرسشنامه اولیه سعی شد تمام راه‌کارها و چالش‌ها شناسایی شده توسط اعضای گروه مورد بررسی قرار گرفته و برای هر یک از این شاخص‌ها معادل مناسب و قابل فهمی استفاده شود.

۴. برآورد مدل

در این مطالعه به شیوه‌های متداول به بررسی روایی و پایایی پرسشنامه پرداخته شد. همان‌طور که بیان شد پس از طراحی اولیه پرسشنامه آن را در اختیار برخی از خبرگان در دسترس قرار گرفت تا به تست اولیه پرسشنامه پرداخته شود. نتایج به دست آمده نشان داد که خبرگان درک مشترکی از موضوع و سوالات پرسشنامه دارند که این خود نشان از وجود روایی سازه پرسشنامه دارد. برای بررسی پایایی پرسشنامه مقدار آلفای کرونباخ پرسشنامه گرفته شد.

جدول ۱- مقدار آلفای کرونباخ سوالات پژوهش

تعداد	مقدار آماره
۲۲	۰/۹۵۳

میزان آلفای کرونباخ پرسشنامه دور اول نیز به صورت زیر به دست آمد که همان‌طور که مشاهده می‌شود مقدار آلفای کرونباخ پرسشنامه (۰/۹۵۳) بیشتر از مقدار ۰/۷ است و این به مفهوم تایید پایایی پرسشنامه است.

در این پژوهش بر اساس روش نمونه‌گیری هوشمند ۱۲ خبره که از تخصص و دانش لازم در مورد حوزه مورد پژوهش برخوردار هستند شناسایی و انتخاب شد. در این مرحله پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌های تکمیل شده که تعداد ۱۲ پرسشنامه بود، تجمیع و مقدار دی‌فازی شده هر یک از سوالات از طریق نرم‌افزار محاسبه شد و سپس بر اساس محاسبات انجام شده به تجزیه و تحلیل پرسشنامه اول پرداخته شد. برای محاسبه عدد فازی سوال اول سه مقدار یعنی حد پایین، حد وسط و حد بالا را محاسبه شد:

حدود	L (حد پایین)	M (حد وسط)	U (حد بالا)
ارزش فازی مثلثی سوال اول	۳	۴/۱۲	۵

حد پایین مقدار فازی مثلثی سوال اول (L): این مقدار برابر است با کمترین مقدار (بدترین مقدار) که خبرگان به سوال اول تخصیص داده‌اند. بنابراین با توجه به توضیحات بالا کمترین مقدار (بدترین پاسخ) که به سوال یک داده شده است برابر است با مقدار متوسط یا همان مقدار سه بنابراین حد پایین ارزش فازی مثلثی سوال اول (L) برابر با سه می‌شود.

حد بالای مقدار فازی مثلثی سوال اول (U): این مقدار برابر است با بزرگترین مقدار (بهترین مقدار) که خبرگان به سوال اول تخصیص داده‌اند. بنابراین با توجه به توضیحات بالا با بزرگترین مقدار (بهترین مقدار) که به سوال یک داده شده است برابر است با مقدار خیلی زیاد یا همان مقدار پنج بنابراین حد بالای ارزش فازی مثلثی سوال اول (U) برابر با پنج می‌شود.

حد وسط مقدار فازی مثلثی سوال اول (M): این مقدار برابر است با میانگین هندسی تمام نظرات خبرگان که به سوال اول داده شده است. در حقیقت میانگین هندسی ۱۲ پاسخ (مقدار) داده شده توسط خبرگان را محاسبه شد و به عنوان حد وسط مقدار فازی مثلثی سوال اول قرار داد.

که در صورت محاسبه مقدار آن برابر با ۴/۱۲ شد. به شیوه بالا مقدار یا ارزش فازی همه سوالات پژوهش محاسبه شدند. پس از محاسبه مقدار فازی سوالات پرسشنامه برای ارزیابی میزان اهمیت هر یک از سوالات ابتدا باید مقادیر فازی را دی فازی نمود تا امکان مقایسه با شاخص آستانه مشخص شده ممکن شود. جهت محاسبه مقدار دی فازی روابط متعددی ارائه شده است که در فایل آموزش روش دلفی به آن اشاره شده است.

جدول ۲- تجمیع نظرات خبرگان پرسشنامه دور اول

شماره سوال	طیف پرسشنامه			
	خیلی کم (۱)	کم (۲)	متوسط (۳)	زیاد (۴)
۱			۲	۲
۲			۱	۳
۳				۱
۴			۲	۲
۵				۳
۶			۱	۲
۷				۱
۸				۱
۹			۲	۲
۱۰				۲
۱۱			۱	۲
۱۲			۲	۲
۱۳				۱
۱۴				۲
۱۵			۱	۲
۱۶				۱
۱۷		۱	۱	۲
۱۸			۲	۳
۱۹				۲
۲۰			۱	۱۰
۲۱			۱	۱
۲۲			۱	۱۰

جدول ۳- ارزش فازی هر یک از سوالات

U	M	L	حدود
۵	۴/۱۷۲۸۰۷	۳	ارزش فازی مثلثی سوال ۱
۵	۴/۶۲۱۶۶۱	۳	ارزش فازی مثلثی سوال ۲
۵	۴/۹۲۶۱۶۹	۴	ارزش فازی مثلثی سوال ۳
۵	۴/۴۶۶۹۲	۳	ارزش فازی مثلثی سوال ۴
۵	۴/۷۸۱۷۶۲	۴	ارزش فازی مثلثی سوال ۵
۵	۴/۴۸۶۱۸۱	۳	ارزش فازی مثلثی سوال ۶
۵	۴/۹۲۶۱۶۹	۴	ارزش فازی مثلثی سوال ۷
۵	۴/۹۲۶۱۶۹	۴	ارزش فازی مثلثی سوال ۸
۵	۴/۰۳۳۰۹۵	۳	ارزش فازی مثلثی سوال ۹
۵	۴/۸۵۳۴۲۹	۴	ارزش فازی مثلثی سوال ۱۰
۵	۴/۶۹۰۹۲۸	۳	ارزش فازی مثلثی سوال ۱۱
۵	۴/۰۷۹۰۳۶	۲	ارزش فازی مثلثی سوال ۱۲
۵	۴/۹۲۶۱۶۹	۴	ارزش فازی مثلثی سوال ۱۳
۵	۴/۸۵۳۴۲۹	۴	ارزش فازی مثلثی سوال ۱۴
۵	۴/۴۶۶۹۲	۳	ارزش فازی مثلثی سوال ۱۵
۵	۴/۹۲۶۱۶۹	۴	ارزش فازی مثلثی سوال ۱۶
۵	۴/۳۴۷۷۹۲	۲	ارزش فازی مثلثی سوال ۱۷
۵	۴/۰۳۳۰۹۵	۳	ارزش فازی مثلثی سوال ۱۸
۵	۴/۸۵۳۴۲۹	۴	ارزش فازی مثلثی سوال ۱۹
۴	۳/۵۳۷۳۲	۲	ارزش فازی مثلثی سوال ۲۰
۵	۴/۶۹۰۹۲۸	۳	ارزش فازی مثلثی سوال ۲۱
۴	۳/۶۰۵۸۱۶	۲	ارزش فازی مثلثی سوال ۲۲

جدول ۴- مقدار دی فازی، درصد اجماع و وزن

مقدار دی فازی شده هر سوال	شماره سوال	وضعیت سوالات	درصد اجماع	مقدار وزن
۴/۰۸۶	۱	تایید شده	۷۳/۶۷	۰/۰۳۷۸
۴/۳۱۲	۲	تایید شده	۷۳/۶۷	۰/۰۴۱۵
۴/۷۱۵	۳	تایید شده	۹۳/۳۳	۰/۰۴۵۴
۴/۲۳۵	۴	تایید شده	۸۶/۶۶	۰/۰۴۰۸
۴/۶۴۱	۵	تایید شده	۸۰	۰/۰۴۴۵
۴/۲۴۵	۶	تایید شده	۷۰	۰/۰۴۱۰
۴/۷۱۵	۷	تایید شده	۹۳/۳۳	۰/۰۴۵۲
۴/۷۱۲	۸	تایید شده	۹۳/۳۳	۰/۰۴۵۴
۴/۲۱۳	۹	تایید شده	۷۸/۶۶	۰/۰۳۸۷
۴/۶۲۴	۱۰	تایید شده	۸۶/۶۶	۰/۰۴۵۰
۴/۳۴۵	۱۱	تایید شده	۸۰	۰/۰۴۱۸
۴/۷۸۲	۱۲	تایید شده	۷۸/۶۶	۰/۰۳۶۵
۴/۷۱۸	۱۳	تایید شده	۹۳/۳۳	۰/۰۴۵۴
۴/۶۷۵	۱۴	تایید شده	۸۶/۶۶	۰/۰۴۵۰
۴/۲۳۵	۱۵	تایید شده	۸۶/۶۶	۰/۰۴۰۸
۴/۷۱۲	۱۶	تایید شده	۹۳/۳۳	۰/۰۴۵۴
۴/۹۲۵	۱۷	تایید شده	۸۶/۶۶	۰/۰۳۷۸
۴/۰۱۵	۱۸	تایید شده	۷۸/۶۶	۰/۰۳۷۸
۴/۶۳۶	۱۹	تایید شده	۸۶/۶۶	۰/۰۴۵۰
۴/۲۶۴	۲۰	تایید شده	۸۶/۶۶	۰/۰۳۱۵
۴/۳۴۵	۲۱	تایید شده	۸۰	۰/۰۴۱۸
۳/۳۰۳	۲۲	تایید شده	۷۸/۶۶	۰/۰۳۱۸

اکنون که مقدار دی فازی سوالات پرسشنامه محاسبه شده است، می‌توان به وسیله مقدار میانگین طیف (مقدار ۳) به شناسایی میزان اهمیت هر یک از چالش‌ها و راه‌کارها پرداخت. در این پژوهش بر اساس نظرات خبرگان، سوالاتی که مقدار دی فازی آنها بیشتر از مقدار میانگین طیف (۳) باشد به عنوان سوالات با اهمیت شناخته می‌شوند و سوالاتی که مقدار دی فازی آنها کمتر از مقدار میانگین طیف (۳) باشد به عنوان سوالات کم اهمیت شناخته می‌شوند.

تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس دوره‌های پژوهش در این پژوهش ابتدا قبل از شروع روش دلفی با مطالعه ادبیات پژوهش و مصاحبه با خبرگان لیستی از ۲۲ چالش مهم و موثر شناسایی شد. از میان راهکارها و چالش‌های شناسایی شده ۱۲ چالش و ۱۰ راهکار پیشنهادی در ادامه تشریح شده است:

۴-۱. چالش‌های حمایت از تولید در حوزه محیط کسب و کار

۴-۱-۱. رانت جویی

رانت درآمد مازادی است که زمانی حاصل می‌شود که یک منبع (زمین، ماده اولیه خاص و غیره) یا کالا در عرضه ثابت باشد، ولی قیمت آن در بازار بیشتر از هزینه‌های لازم برای آوردن آن منبع یا کالا به بازار به اضافه سود نرمال تولیدکننده باشد^۱. به دلیل محدودیت ماهوی این قبیل کالاها، عرضه آن‌ها به شدت غیرکششی بوده و با افزایش قیمت، امکان افزایش عرضه آن‌ها در کوتاه‌مدت و بلندمدت وجود ندارد. در نتیجه افزایش تقاضا منجر به افزایش قیمت‌ها و درآمد دارنده منابع یا تولیدکننده کالا می‌شود که به آن رانت اقتصادی می‌گویند.

در شرایطی که امتیاز یا انحصار خاصی برای تولیدکننده خاصی در نظر گرفته می‌شود، که دیگران نمی‌توانند از آن بهره‌مند باشند، عرضه آن محصول محدود خواهد بود و در نتیجه افزایش تقاضا، قیمت‌ها افزایش یافته و رانت اقتصادی را نصیب آن تولیدکننده می‌نماید^۲.

کشورهای رانتی به دنبال اعمال کنترل اجتماعی و سیاسی بر روی جمعیت خود، با ایجاد و حفظ وابستگی اقتصادی از طریق اختیارات انحصاریشان برای تخصیص و توزیع درآمد به دست آمده از رانت منابع طبیعی هستند. پیامدهای سیاسی تکیه بر رانت خارجی عبارت است از:

۱. اتکا به منابع درآمد رانتی، حکومت داری را تضعیف می‌کند و به توسعه مخالفان اجتماعی آسیب می‌رساند؛ زیرا سبب کاهش لزوم پاسخگویی دولت به مردم و نمایندگی نمودن دولت بر مردم می‌شود. علاوه بر این، عدم وجود یک نظام مالیاتی مناسب نه تنها مانع رشد اقتصادی گسترده می‌شود، بلکه سبب تضعیف ظرفیت حکومت داری و دموکراسی می‌شود.

1. Mazzucato (2023).

2. Stratford (2022).

۲. دولت‌های رانته استقلال خود از انجمن‌های اجتماعی را با بهره‌برداری از استقلال مالی خود، در مخارج تقویت می‌کنند. مبالغ زیادی از پول برای حفظ شبکه‌های حمایتی و ارائه یارانه‌های عظیم به مردم برای جلب حمایت‌های اجتماعی و سیاسی، به جای توسعه مکانیسم‌های نهادینه شده پاسخ‌گویی، صرف می‌شود.
۳. کشورهای رانته در معرض تصرف دولت و سطح بالایی از فساد هستند درحالی که اکثر جمعیت از حقوق خود محروم‌اند. افرادی که بخش منابع طبیعی را اداره می‌کنند قادر به اعمال نامتناسب نفوذ بر سیاست‌های دولت‌اند.

۴-۱-۲. ضعف در نظام قوانین و مقررات

در زیر مجموعه‌ای از دلایل شکل‌گیری نظام مقرراتی دست و پاگیر در محیط حقوقی کسب و کار تبیین می‌شود که به نقض اصول قانون‌گذاری باز می‌گردد و باعث شده تا قانون‌گذار به تصویب قوانین جدید و یا اصلاح مکرر و زود هنگام قوانین پیشین بپردازد که به دنبال آن فعالان اقتصادی را با فضای مبهم و غیر قابل پیش‌بینی مواجه می‌سازد. طبق مطالعات قوانین و مقررات از دو جهت دست و پاگیر هستند؛ یک مورد دست و پاگیر بودن مقررات مربوط به کسب و کار یعنی مجوزها و دیگری تصویب قوانین متعدد همراه با اصلاحاتی زود هنگام. وضعیت ایران در گزارش‌های بین‌المللی چندان مطلوب نیست در بین ارزیابی‌های انجام شده، شاخص سهولت کسب و کار که بانک جهانی در قالب پروژه انجام کسب و کار انجام می‌دهد بر مبنای قوانین و مقررات به ارزیابی نماگرهای متعددی در این خصوص می‌پردازد؛ که وضعیت ایران نامناسب گزارش شده است.

۴-۱-۳. بی‌ثباتی سیاسی

موقعیت خاص ایران، همواره بستر مناسبی را برای ایجاد تنش‌های سیاسی و نظامی و به مخاطره افتادن امنیت ملی و در نتیجه بی‌ثباتی سیاسی آن فراهم آورده است. با توجه به پیوند عمیق اقتصاد و سیاست، ساختار سیاسی جامعه نقشی غیرقابل انکار بر عملکرد اقتصاد دارد ثبات سیاسی پیش شرط بازسازی اقتصادی و توسعه است.

بی‌ثباتی سیاسی از طریق چهار کانال بر عملکرد اقتصادی تأثیر می‌گذارد: نخست بی‌ثباتی منجر به تزلزل شدن حقوق مالکیت فردی می‌شود که مانعی برای سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت و معاملات اقتصادی است دیگر عدم وجود یک سیستم سیاسی باثبات پیش‌بینی‌ناپذیر و عملکرد دولت‌های آینده و تغییرات سازمانی را غیرممکن می‌سازد این عامل باعث می‌شود تا سرمایه‌گذاران محیط‌هایی که قابلیت پیش‌بینی را دارند ترجیح دهند. سوم اینکه بی‌ثباتی احتمال شرکت افراد فرصت طلب در فعالیت‌های واسطه‌گری را افزایش می‌دهد که منابع را به سوی فعالیت‌های غیرمولد سوق می‌دهد و در آخر زمانی که مبارزات سیاسی با خشونت و اعمال زور همراه شود باعث تخریب دارایی‌ها شده و تهدیدی برای سرمایه‌گذاران محسوب می‌شود.^۱ بی‌ثباتی سیاسی بسته به شدت و نوع آن حاکی از وجود نوسان‌ها و نابسامانی در عرصه مدیریت یک کشور دارد که نمی‌توان چارچوبی باثبات و مناسب را برای بهبود بهره‌وری، رشد و اعتلای اقتصادی فراهم آورد.

۴-۱-۴. چالش ایجاد و حفظ اشتغال

یکی از اهداف حمایت از تولید در کشورهای در حال توسعه، بالا بردن سطح رفاه جامعه و ایجاد اشتغال است. در جامعه ایران ایجاد اشتغال برای از بین بردن فقر بسیار مهم است.^۲ به عبارت دیگر، حمایت از تولید، اشتغال ایجاد می‌کند، اما کاهش نرخ بهره بانکی و اعطای تسهیلات ارزان سبب گرایش تولیدکنندگان به فناوری‌های سرمایه‌بر می‌شود که با هدف ایجاد اشتغال در تضاد قرار می‌گیرد. حمایت از تولیدات و صنایع، سطح عمومی قیمت‌ها را افزایش می‌دهد و سبب می‌شود مصرف‌کنندگان از جمله کارگران مجبور شوند از کالاهای گران‌تر استفاده کنند.

۴-۱-۵. چالش فناوری

اعمال تعرفه و جلوگیری از واردات صنعتی، مانع انتقال فناوری و در نتیجه عقب ماندگی صنعت و تولید داخلی از تحولات جهانی است. اغلب اقتصاددانان تغییرات سطح فناوری را عامل اصلی رشد و افزایش تولید می‌دانند. در کنار واردات فناوری مسئله درک دانش پایه و نحوه

۱. اصغرپور و همکاران (۱۳۹۲).

۲. اجاقی و همکاران (۱۴۰۱).

جذب و استفاده از فناوری با توجه به تجربیات جهانی نیز اهمیت دارد. دانش و فناوری، امری تجربی، تجمعی و انباشتی است. دانش مقوله‌ای بین‌المللی، و فناوری نتیجه بهره‌مندی از نوآوری است که بخش عمده‌ای از آن، از رقابت ناشی می‌شود.^۱ در کشور شرکت‌های دانش‌بنیان سابقه زیادی ندارند. از گذشته تا کنون، دولت‌ها با حمایت‌های غیرمنطقی و ناقص خود سبب شده است تا فناوری تولید، پیشرفت چندانی نداشته باشد. فناوری عقب مانده، سبب تولید بی‌کیفیت می‌شود و برای نیروی تحصیل کرده فرصت شغلی فراهم نمی‌کند.

بخش عمده‌ای از اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به استفاده از فناوری‌های نوین مربوط است تا زمانی که شرکت‌ها از فناوری‌های پیچیده استفاده نکنند، نیازمند فارغ‌التحصیلان دانشگاهی نیستند؛ برخی از مبتکران و نوآوران، فناوری جدیدی اختراع می‌کنند یا روش‌های نوآورانه‌ای برای بهره‌وری صنایع به وجود می‌آورند، اما صنایع بزرگ از این اختراع و نوآوری‌ها برای تولید استفاده نمی‌کنند و این اختراعات فقط رسانه‌ای می‌شوند.

۴-۱-۶. چالش سرمایه انسانی (آموزش و مهارت)

پرورش نیروی تحصیل کرده، یکی از اهداف توسعه و نیز از نهادهای عوامل تولید است. از این رو برنامه‌هایی که برای آموزش و افزایش مهارت نیروی انسانی طراحی می‌شوند، تأثیر مثبتی بر تولید دارند. از دیدگاه گریفین، هر چقدر نیروی کار آموزش بیش‌تری ببیند و مهارت‌های متنوعی فراگیرد، بهره‌وری بیشتر می‌شود و کالا و خدمات با کیفیت‌تر به مصرف‌کننده می‌رسد. به عبارت دیگر وجود سرمایه انسانی آموزش دیده و ماهر برای جذب و استفاده از فناوری جدید و همراهی با تغییرات سریع فناوری، ضروری است. ارائه روش بهبود یافته تولید، شیوه‌های جدید انجام دادن امور و تولید کالاهای پیچیده و پیشرفته دشوار است؛ مگر اینکه نیروی کار، آموزش کافی دیده باشد تا بتواند چیزی را که او خواسته شده درک کند. سرمایه‌گذاری، سرمایه انسانی و تغییرات فنی کاملاً به هم مرتبط هستند.^۲

نیروی کار در ایران ماهر نیست و آموزش‌های مهارتی و عملی ندیده است. این امر باعث می‌شود تا نیروی کار علاقه‌مند نباشد و بهره‌وری اندکی داشته باشد. نیروی تحصیل کرده

1. Ahmad and Schreyer (2016).

۲. صبوری (۱۳۹۹).

مهارت‌های پایه مثل مذاکره، ارتباطات، حل مسئله و... ندارد، این امر در مورد کارفرمایان نیز صادق است مسئله نداشتن مهارت ریشه در فناوری ابتدایی و حمایت نکردن دولت از آموزش عالی دارد. گسترش بی‌رویه آموزش عالی در کشور بدون فراهم نمودن زیرساخت‌های لازم، کیفیت نیروی کار را پایین آورده است دولت می‌تواند با کمک بیشتر به دانشگاه‌ها برای افزایش کیفیت آموزش مهارت‌های پایه و اساسی، از تولیدات داخلی حمایت کند.

۴-۱-۷. چالش فساد

سیاست‌های حمایتی دولت در قالب یارانه و اعطای تسهیلات ارزان، انواع دخالت‌های دولتی را در تولید توجیه نموده است. اعطای یارانه به صنایع منتخب، به ظاهر با هدف حمایت از تولید شکل می‌گیرد، اما هدف اصلی آن افزایش قدرت و محبوبیت سیاستمداران است. درآمدهای نفتی، اتخاذ سیاست‌های حمایتی مختلف را توجیه ساخته است و برخی گروه‌های جامعه و بنگاه‌ها برای بهره‌گرفتن از این یارانه‌ها، رقابت‌های ناسالم و اقدامات غیرمنطقی انجام می‌دهند؛ برای مثال برخی صنایع بزرگ، افراد پرنفوذ دولت را به‌عنوان اعضای هیئت مدیره خودشان انتخاب می‌کنند تا بتوانند از رانت‌های مختلف بهرمنند شوند^۱.

صنایعی که در آن‌ها از حمایت‌هایی مثل تسهیلات کلان ارزان استفاده شده است نه تنها در بازار جهانی حضور ندارند و با کالاهای مشابه خارجی رقابت نمی‌کنند بلکه هر روز نیازمند حمایت بیشتری هستند. قطع حمایت یارانه‌ای از این صنایع انحصار طلب، پیامدهای سیاسی را به دنبال دارد. همچنین بخش بزرگی از تولیدات داخلی، منطق اقتصادی ندارد و هرگونه حمایتی از آن ائتلاف منابع بین نسلی است. حمایت یارانه‌ای، رانت‌ها و انحصارهای بزرگی را با ابعاد گسترده و پیچیده به وجود آورده است؛ شکل‌گیری بنگاه‌های بزرگ شبه دولتی و بروز انواع فسادهای اقتصادی، نتیجه زیان‌بار حمایت‌های ناکارآمد و غیرمنطقی است.

حمایت‌های دولتی مانند یارانه، تسهیلات کلان و ارز ارزان، تنها شامل برخی صنایع بزرگ می‌شود که با صاحبان قدرت تعامل دارند؛ هر دولتی در ایران تعدادی شرکت و بنگاه را انتخاب می‌نماید و با دادن تسهیلات و انواع یارانه دولتی، موضوع حمایت از تولید را به ظاهر حل می‌کند. بر این اساس، نحوه انتخاب صنایع و بنگاه‌ها برای حمایت، تعامل میان صاحبان بنگاه و مقامات

1. Achim and et al (2018).

سیاسی، وابستگی تولیدکنندگان به انواع حمایت‌ها و ناتوانی بنگاه‌ها برای حضور در بازار رقابت جهانی، چالش‌های عمده‌ای به شمار می‌آیند که هم منابع ارزشمند کشور را تلف نموده و هم به فساد، رانت و تشدید انحصار می‌انجامد. بنابراین در صورت تعامل برخی بنگاه‌ها و تولیدات با دولت باعث می‌شود تا تولیدکنندگان واقعی ضرر ببینند. در تولیداتی هم که انواع حمایت‌های پولی به آن‌ها تزریق می‌شود، توسعه کسب و کار جایگاهی ندارد و پول‌ها در بخش‌هایی غیر از تولید سرمایه‌گذاری می‌شود مانند خرید زمین و ورود به ساخت و ساز.

۴-۱-۸. چالش فرهنگی

در حال حاضر شاهد آن بوده که محصولات خارجی در بسیاری موارد در ارتباط با جلب مشتری، گوی سبقت را از محصولات داخلی ربوده و مصرف‌کننده در انتخاب دو کالای مشابه داخلی و خارجی، اولویت خود را به خرید محصول خارجی می‌دهد. واقعیت این است که تمایل مصرف‌کنندگان در کشور به مصرف محصولات خارجی نشت گرفته از یک مجموعه عوامل است که یکی از آن‌ها عامل فرهنگ غلط جامعه است. بخش دیگر آن مربوط به عملکرد نادرست تولیدکنندگان است.

در طی سال‌های اخیر؛ واردات کالاهای خارجی به شدت افزایش یافته و مردم تمایل شدیدی به مصرف کالاهای و اجناس خارجی پیدا کرده‌اند این رفتار مصرفی ناشی از دو دلیل عمده است که یکی مربوط به مصرف‌کننده و فرهنگ مصرفی است و دیگری مربوط به تولیدکننده و عدم توجه به نیازهای مشتریان، کیفیت پایین محصولات و قیمت‌های بالاتر آن‌ها در مقایسه با کالاهای خارجی است که باعث تمایل مصرف‌کنندگان ایرانی به مصرف کالاهای خارجی شده است.

۴-۱-۹. چالش برنامه‌ریزی

در ادبیات اقتصاد توسعه، همواره کمبود سرمایه تا اواسط دهه ۱۹۶۰ با تأکید بر سرمایه‌های مالی و فیزیکی و پس از آن با تأکید بر سرمایه انسانی به عنوان مهم‌ترین مانع رشد اقتصادی مستمر در کشورهای در حال توسعه قلمداد شده است چه در نخستین دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم، عدم کفایت میزان انباشت سرمایه مالی و سرمایه‌گذاری فیزیکی را مانع اصلی افزایش

تولید در کشورهای در حال توسعه می‌دانستند و چه در دهه‌های اخیر که اغلب نظریه پردازان اقتصاد، توسعه سرمایه انسانی را کلید طلایی دروازه توسعه تلقی می‌کنند^۱. ایران به لحاظ اغلب شاخص‌های ذیربط وضعیت کم و بیش خوبی در مقایسه با دیگر کشورهای در حال توسعه داشته است اما با این وجود فاقد بازده بوده‌اند و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی با شکست مواجه شده است این ناکامی در برنامه‌ریزی برمی‌گردد به رفتار دولت. آیا علت شکست انتخاب نادرست هدف‌های این برنامه‌ها است یا نادرستی ابزار پیش‌بینی شده برای دستیابی به این اهداف است. خود برنامه‌ریزان و اقتصاددانان درباره هدف‌ها و سیاست‌های اجرایی برنامه‌های توسعه وحدت نظر ندارند؛ برخی توسعه صنعتی را بحران دستیابی به توسعه اقتصادی می‌دانند و برخی توسعه کشاورزی را و بعضی دیگر استراتژی جانشینی واردات را چالش توسعه اقتصادی می‌دانند.

۴-۱-۱۰. چالش‌های اقتصادی

ثبات اقتصادی با ایجاد یک محیط امن اقتصادی، پس‌انداز ملی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را افزایش داده، تراز پرداخت‌ها را بهبود بخشیده و از طریق کاهش قابل توجه نااطمینانی و پیشبرد برنامه‌ریزی بلندمدت کمک بسیاری به رشد اقتصادی واقعی می‌نماید^۲. در مقابل بی‌ثباتی محیط اقتصاد کلان موجب نااطمینانی فعالان اقتصادی نسبت به تحولات آینده خواهد شد و در نتیجه آن فعالان اقتصادی نمی‌توانند چشم‌انداز روشن و شفاف از آینده ترسیم نمایند. بی‌ثباتی سبب افزایش ریسک و قیمت تمام‌شده محصولات و در نهایت شکست و تغییر ماهیت آنان می‌شود.

۴-۱-۱۱. ضعف بازار سرمایه در تأمین مالی تولید

با توجه به وضعیت رکودی صنایع در کشور، تأمین مالی یا نقدینگی بنگاه‌های اقتصادی و تولیدی به یکی از مهم‌ترین چالش‌های محیط کسب و کار تبدیل شده است. به طوری که کمبود نقدینگی در صنایع مولد، زیربنایی و تولیدی کشور موجب کاهش تولید، افزایش بیکاری

1. Cinnirella and Streb (2017).

۲. علی‌یاری و همکاران (۱۴۰۱).

و کاهش اشتغال شده است. مشکلات مربوط به تورم، نرخ ارز، افزایش نقدینگی در جامعه با پرداخت یارانه و معیشت و تأثیر آن در بخش تولید و تجارت باعث شده تا نیاز بنگاه‌ها به منابع مالی بیش از پیش شود. که نیازمند هدایت نقدینگی به سمت بازار سرمایه و تأمین مالی شرکت‌های تولیدی است^۱. در کشورهای توسعه‌یافته بخش عمده‌ای از سرمایه‌ها و نقدینگی مورد نیاز بنگاه‌ها از طریق بازار تأمین می‌شود که در واقع انتشار اوراق بدهی یکی از متداول‌ترین روش‌های تأمین مالی میان‌مدت و بلندمدت بنگاه‌های اقتصادی است. اما در بازار سرمایه ایران آن وظیفه بر عهده بانک‌ها است؛ در حالی که در دنیا، بار تأمین سرمایه را فقط بانک‌ها بر عهده ندارند؛ بلکه بازار سرمایه که بورس نماد آن است محور تأمین مالی بخش‌های اقتصادی است. و بانک‌ها کمترین وظیفه را در تأمین نقدینگی واحدهای تولیدی و صنعتی در کشورها عهده‌دار هستند.

در کشور به دلیل ضعف بازار سرمایه، تولیدکنندگان تمایلی ندارند که برای تأمین منابع لازم خود از بورس بهره ببرند. که این خود یک چالش است. نرخ سود یکسان در تأمین مالی از دو بازار سرمایه و پول، زمان بر بودن فرایند انتشار، الزام به وجود رکن ضامن، ناپایداری سیاست‌های پولی، بالا بودن هزینه تأمین مالی، مقررات سخت‌گیرانه و ظوابط محدودکننده و فرهنگ سنتی تأمین مالی از طریق بانک از جمله موانعی هستند که استفاده از ابزارهای مناسب بازار سرمایه را به چالش کشانده است.

۴-۱-۱۲. عرضه کالاهای قاچاق در بازار داخلی

پدیده قاچاق یک عمل خلاف شرع و ضربه‌آور به اقتصاد، هویت ملی و برنامه‌ریزی کشور است که در صورت مقابله نشدن با آن، زمینه‌ساز تضعیف تولید داخلی و ترویج اشتغال ناسالم خواهد بود، زیرا قاچاق کالا، باعث انحراف سرمایه از مسیر اصلی و در نهایت کاهش تولید ملی، درآمد سرانه و گسترش فقر و بیکاری در جامعه خواهد بود^۲. قاچاق کالا از یک سو، سبب افزایش تقاضای ارز به دلیل کاهش ارزش پول ملی و در نتیجه، به افزایش قیمت‌ها منجر خواهد شد، قاچاق کالا، اعم از صادرات و واردات آن، سبب خروج سرمایه از کشور می‌گردد. در صورتی که با

۱. سجودی و جلیلی (۱۴۰۱).

۲. قاسمی و ملک زاده (۱۴۰۲).

قاجاق کالا مبارزه جدی صورت نگیرد، کالای قاجاق وارداتی که بر آن تعرفه‌ای پرداخت نشده و قیمت پایین‌تری نسبت به کالای وارداتی قانونی و رسمی و برتری نسبی بر کالای داخلی مشابه دارد، بازار را اشباع و در قبضه خود خواهد گرفت.

۲-۴. راهکارهای حمایت از تولید در حوزه محیط کسب و کار

۲-۴-۱. ارتقای قابلیت نهادی حاکمیت

برای کاهش حجم دولت باید عزمی راسخ وجود داشته باشد به ویژه در بخش دولتی باید به خصوصی‌سازی اعتقاد جدی داشت. برای کوچک‌سازی حجم دولت و تسریع فرآیند خصوصی‌سازی در کشور باید دولت مردان به این موضوع معتقد باشند و در عمل هم اعتقاد خود را نشان دهند. این‌که هر روز به تعداد نیروی‌های دولتی اضافه شود و شرکت‌های دولتی ناکارآمد را گسترش دهیم، با اعتقاد خصوصی‌سازی منافات دارد همچنین، دولت باید با حمایت از بخش خصوصی از نظر مالی و ضوابط قانونی زمینه رشد آن را فراهم آورد.

بخش خصوصی برای شکل‌گیری و توسعه نیازمند کمک دولت است. بسیاری از قوانین اقتصادی، مالیاتی، گمرکی، بانک‌ها و... در راستای توسعه بخش خصوصی نیستند و حتی موجب تضعیف آن نیز هستند. دولت نمی‌تواند فعالیت‌های اقتصادی را بدون آن که بخش خصوصی به آن‌ها پردازد آن‌ها را رها کند. از طرفی نیز با توجه به ناتوانی بخش خصوصی و همچنین ضوابط و قوانین محدودکننده بخش خصوصی رغبتی به وارد شدن به این عرصه‌ها را ندارند، پس باید بخش خصوصی توسط خود دولت حمایت و تقویت شود. بعضی معتقداند دولت باید از طریق حمایت همه‌جانبه در بخش خصوصی ایجاد اعتماد نماید یکی دیگر از راهکارهای کوچک‌سازی دولت، جذب سرمایه خارجی است که برای تحقق این هدف بیش از هرچیز، موانع و محدودیت‌های قانونی رفع شود.

دولت می‌تواند سیاست‌گذاری صنعتی موفق داشته باشد و از مخاطرات رانت‌جویی و اتلاف منابع جلوگیری نماید. و برای دستیابی به اهداف رفاهی، کسب مقبولیت و اقتدار ملی، سیاست‌گذاری صنعتی داشته باشد و بین دولت‌ها و گروه‌های ذینفع در عین حفظ استقلال، نوعی همکاری مستمر و اعتماد شکل بگیرد.

۲-۲-۴. تسهیل قوانین و مقررات

بر اساس مطالعات بانک جهانی، اگر زمان و هزینه صرف شده را نشانه‌های میزان سهولت راه‌اندازی و تداوم یک کسب و کار تلقی کنیم، حداقل و حداکثر شدن آن به حجم و نوع قوانین مربوطه، میزان قانون‌مداری و حمایت نظام حقوقی از مالکیت افراد مربوط می‌شود. بنابراین کاهش زمان و هزینه راه‌اندازی و گسترش فعالیت‌های اقتصادی و ساده‌سازی و تضمین اجرای دقیق و عادلانه قوانین جهت آماده نمودن بستر مناسب برای فعالیت اقتصادی و ایجاد امنیت برای سرمایه‌گذار و حمایت از سرمایه‌گذار در مقابل تعرضات احتمالی آینده، گام‌های موثری در تسهیل کسب و کار است.

۲-۲-۴. اصلاح رویه‌های سیاست‌گذاری صنعتی

سیاست‌گذاران صنعتی با مخاطرات مهمی روبه‌رو هستند این سیاست‌ها از یک سو با اشتباهات سیاست‌گذاری (تشخیص اشتباه یا اجرای نادرست) و از سوی دیگر با مخاطرات رانت‌جویی عوامل اقتصادی و در مجموع با مخاطره ائتلاف منابع روبه‌رو است^۲. در مقابل دولت با سیاست صنعتی درست با توزیع رانت مولد (رانت ارزش افزا و شتاب‌دهنده رشد بلندمدت) می‌تواند در دست‌یابی به اهداف توسعه صنعتی موثر باشد.

حمایت از تولید و سیاست‌های صنعتی با اهدافی همچون خودکفایی، حمایت از گروه‌های اجتماعی، تأمین اشتغال و... صورت می‌پذیرد که گاهی به عنوان اهداف سیاست‌های صنعتی عنوان می‌گردد در حالی که سیاست صنعتی باید با هدف ارتقای بهینه تولید (بهبود تولید صنعتی مدرن و خدمات پشتیبانی آن) صورت گیرد.

این رویه نیازمند سیاست‌گذاری مناسب در چهار حوزه است:

- الف) برنامه‌ای بودن مداخلات دولت و اتکا بر استراتژی توسعه صنعتی
- ب) زمینه‌سازی برای تولید محوری و اصلاح نسبت بخش‌های مولد و نامولد در عرصه داخلی

1. Hinterleitner and et al (2024).

۲. دانایی فرد و خداداد حسینی (۱۳۸۳).

- پ) گزینش صنایع پیش‌رو برای اصلاح نسبت اقتصاد داخلی با اقتصاد جهانی

۴-۲-۴. ارائه سند استراتژی توسعه صنعتی

رویکردهای حمایتی دولت آنگاه موفقیت آمیز خواهد بود که مبتنی بر هدف‌گذاری بلندمدت و بر پایه تبیین چالش‌های تولید و ضرورت‌های مواجهه با آن صورت گیرد. گامی مهم در این زمینه تهیه سند استراتژی توسعه صنعتی از سوی دولت است، سندی که ارزیابی نظام برنامه‌ریزی را از اولویت‌ها و ضرورت‌های حمایت‌گری در برداشته باشد. و به جای برخوردهای شعاری با مسائل تولید، تحقق هماهنگی و نیز راهی برای تولید محور ساختن و سپس بسط صنایع ارائه داشته باشد.

در جهت تولید محوری مهم‌ترین پیشنهاد سیاستی مقررات زدایی و آزادسازی و تسهیل فضای کسب و کار است اما با توجه به حضور گسترده رانت در اقتصاد به رفع همه رانت‌ها منجر نمی‌گردد در واقع اصلاح فضای کسب و کار به گونه‌ای که به رونق تولید و خدمات مولد منجر گردد نیازمند کاهش هزینه‌های سربار تولید (هزینه‌های تبدیل، هزینه‌های نااطمینانی و هزینه‌های مبادله) و در واقع حذف ریسک‌های سیستمی، عدم نفع‌های ساختاری و همه موانعی است که فعالیت‌های مولد را در برابر فعالیت‌های سوداگرانه و نامولد زمین‌گیر نموده است. بنابراین مهم‌ترین کمک دستگاه قاعده گذاری کشور نه طراحی سیاست‌های حمایتی خاص بلکه حمایت از تولید در وجه عام و جلوگیری از سودبری‌های بی‌قاعده و کانال‌های سوداگری و دلالی و ربا خواری است؛ که به صورت رقیب تولید ظاهر شده و مانع بسط تولید در کشور می‌شود. انجام این وظیفه در دو سطح مقررات زدایی و مقررات گذاری است.

۴-۲-۵. توسعه بخش مالی

توسعه صنعتی و آثار اقتصادی و اجتماعی آن مستزلم توسعه بخش مالی است. با توجه به نقش متغیرهای بازار مالی مانند اعتبارات در انتقال منابع پولی به بخش تولیدات صنعتی لزوم وجود شرایط رقابتی در بازارهای مالی و سیاست‌های اعتباری برای ارتقای رشد صنعتی توصیه

می‌گردد^۱. تایید همگرایی بخش مالی و واقعی، شناسایی راه‌های اثرگذاری بر متغیرهای پولی و مالی برای ایجاد ثبات محیط مالی مانند مهار تورم، کیفیت تخصیص منابع مالی (مانند ایجاد نهادهای خدمات مالی و صنعتی) در راستای رشد تولیدات صنعتی در ایران را ضروری می‌نماید.

۴-۲-۶. رفع موانع واردات بخش صنعت

با توجه به اثرپذیری تقاضای واردات بخش صنعت نسبت به نرخ تعرفه، توصیه می‌شود در راستای پیوستن به سازمان تجارت جهانی، نرخ تعرفه این گروه از کالاها به تدریج کاهش یابد تا به آزادی کامل منجر شود. با این کار علاوه بر تغییر واردات کشور به سمت کالاهای مورد نیاز بخش صنعت و به کارگیری آن‌ها در تولیدات صنایع کارخانه‌ای، می‌توان به افزایش رشد اقتصادی و تقویت شاخص‌های سطح تجارت بین‌الملل امیدوار شد^۲. همچنین به دلیل اثرپذیری صادرات بخش صنعت از موانع تجاری، سیاست‌های بازرگانی باید به گونه‌ای باشد که واردات بخش صنعت به سمت کالاهای مولد که بیش‌ترین کارایی و بهره‌وری را در اقتصاد ایجاد می‌کنند سوق یابد. زیرا واردات صنعتی باعث می‌شود این بخش بتواند ضمن افزایش صادرات خود ارتباط پسین و پیشین با سایر بخش‌ها به وجود آید. یعنی بخش صنعت قادر است ماشین‌آلات، تجهیزات و ملزومات واسطه‌ای مورد نیاز سایر بخش‌ها مثل بخش کشاورزی، خدمات، مسکن را تولید و عرضه کند و از این طریق ضمن کاهش وابستگی سایر بخش‌ها به خارج، به تولید برای صادرات کمک نماید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۴-۲-۷. انتقال و توسعه تکنولوژی در کشور

کشورهای در حال توسعه از جمله ایران می‌توانند از تجربه کشورهای صنعتی و تازه صنعتی شده به خصوص کشورهای واقع در شرق آسیا و آمریکای لاتین در امر توسعه تکنولوژی و صنعتی استفاده نمایند^۳. تجربه موفقیت آمیز این کشورها نشان می‌دهد که فراگیری و انتقال گسترده تکنولوژی‌های مناسب مدرن به این کشورها آن‌ها را قادر ساخته تا به بهره‌وری خود بیفزایند و

۱. درخشانی و محنت‌فر (۱۳۹۹).

۲. حیدری مطلق (۱۳۹۰).

در نتیجه به توسعه صنعتی دست یابند. مهم‌ترین عوامل موثر در انتقال موفقیت‌آمیز تکنولوژی کشورهای تازه صنعتی شده عبارت است از: مدیریت کارا و موثر، همکاری نزدیک بین مراکز تحقیقاتی و صنایع، توجه به فعالیت‌های تحقیق و توسعه، در دسترس بودن بازار کافی، قابلیت ظرفیت جذب خوب کشور گیرنده تکنولوژی، حمایت موثر دولت، تمایل انتقال‌دهنده و گیرنده تکنولوژی، سیاست توسعه صادرات.

نقش دولت در مشاوره موثر و مفید برای انتقال فناوری روز و نحوه به کارگیری آن در روند تولید کالای با کیفیت اهمیت دارد. با کمک دولت تولیدکنندگان می‌توانند از تجربیات بین‌المللی و ظرفیت‌های دانش جهانی استفاده نمایند. علاوه بر فناوری افزایش مهارت‌های مدیریتی، نحوه استفاده از دانش جهانی و سرمایه خارجی هم نقش مهمی در حمایت از تولید دارد. بر این اساس تولیدکنندگان داخلی نیازمند بهره بردن از دانش و فناوری روز در سایر کشورها است. رویکرد حمایت‌گری دولت در این قالب معنا می‌یابد. حمایت‌گری بدون توجه به موارد فوق سبب کاهش بهره‌وری و ارزش افزوده می‌شود و رفاه عمومی را کاهش می‌دهد. در نتیجه حفظ و تداوم تولید به سطح فناوری و نوآوری بنگاه وابستگی می‌یابد.

۳-۴. راهکارهای اقتصاد مقاومتی به منظور حمایت از تولید داخلی

۱-۳-۴. حمایت منطقی و آگاهانه از تولید ملی

برای گسترش فیزیکی و تاسیساتی و توسعه فعالیت و اشتغال با تکنولوژی بالامیان صنایع، خدمات و دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی مربوط ارتباط برقرار شود و در حد شعار نباشد. با توجه به ماهیت ساختاری و شناخت مزیت‌های هر شهر و روستا زمینه‌های لازم برای فعالیت‌ها و کسب و کارهای متعدد که در بافت و بطن اصلی خود مزاحم تشخیص داده نشوند فراهم شود. و به منظور ارتقای مهارت‌های شغلی برای کسب تجربه کاری و ارتقای مهارت‌های شغلی بخشی از سرمایه مورد نیاز کارفرمایان و سازمان‌ها را برای استخدام جوانان و کمک به آن‌ها تأمین نماید، سازمان‌ها و نهادهای مسئول اداره استان‌ها در ایجاد فعالیت‌های که به جوانان امکان کسب تجربه شغلی و تخصصی می‌دهد اقدام نماید، بهداشت و آموزش تشکیل تیم نظارتی در اتحادیه‌ها و اصناف برای نظارت بر کیفیت تولید و سطح قیمت‌ها نظارت داشته باشند ایجاد

و تجربه کار تاسیساتی برای دانش آموزان و دانشجویان همچنین تشکیل گروه‌های برنامه‌ریزی جهت ارائه کمک‌های تخصصی حرفه‌ای و مالی به افراد جویای کار برای حمایت تکنیکی و دانشی افراد بیکار و جویای کار و کمک به طرح‌های اقتصادی آن‌ها و معرفی افراد واجد شرایط به مراکز مهم و کلیدی تجاری و اقتصادی و ارائه مشاوره و راهنمایی‌های لازم در تحقق زمینه‌های سرمایه‌گذاری یا اخذ سرمایه.

۴-۳-۲. تقویت و حمایت از اقتصاد دانش بنیان

یکی از مولفه‌های اقتصاد مقاومتی اقتصاد دانش بنیان است امروزه با پیشرفت و رشد روز افزون جوامع در عرصه‌های مختلف علمی و اقتصادی و تولیدی و فناوری، اهمیت علم و دانش افزایش یافته است و مدل جدیدی به نام اقتصاد دانش بنیان را مطرح ساخته است. در اقتصاد دانش بنیان تولید و کاربرد دانش منشا اصلی ایجاد ثروت محسوب می‌شود. کارایی این نظام اقتصادی مستلزم تعریف ساز و کارها و شناخت عوامل موثر بر تولید و به‌کارگیری دانش است که از ارتباط این عوامل با یکدیگر، زمینه افزایش عملکرد سایر بخش‌ها نیز فراهم می‌شود. و با وقوع تحولات علمی و تحقیقاتی، دگرگونی عمیقی در عرصه رشد و تولید اقتصادی ایجاد می‌شود اقتصاد مبتنی بر علم و دانش موجب رشد و توسعه پایدار و در نهایت تحقق اقتصاد مقاومتی می‌شود.

۴-۳-۳. حمایت و تقویت عملی از بخش خصوصی

اقتصاد مقاومتی ارکان و شرایط متعددی دارد که مهم‌ترین آن بخش خصوصی و اقدامات مردمی است. مردمی نمودن اقتصاد و آگاهی از شرایط اقتصادی جامعه، فعالیت مردم را در مسیر دفاع و حمایت از اقتصاد قرار می‌دهد. بهره‌برداری از توانمندی‌های افراد جامعه در کنار استفاده از حمایت‌های مالی و قانونی دولت از نهادهای خصوصی موجب تحقق اقتصاد مقاومتی می‌شود. همچنین تشویق به مصرف کالاهای داخلی و جلوگیری از قاچاق کمک شایانی به تحقق اقتصاد مقاومتی است.

۴-۳-۴. کاهش نقدینگی و مدیریت آن

افزایش نقدینگی یکی از مسائل و مشکلات اقتصاد ایران است که با حل و کنترل نقدینگی می‌توان نوعی تعادل اقتصادی ایجاد نمود، دولت باید از افزایش حجم نقدینگی در جامعه جلوگیری نماید.

۴-۳-۵. مدیریت منابع ارزی

مدیریت صحیح منابع ارزی یکی دیگر از ارکان اقتصاد مقاومتی است، امروزه با افزایش ارتباطات تجاری و اقتصادی بین کشورهای مختلف، مسئله منابع ارزی اهمیت بیشتری یافته است و نیازمند مدیریت دقیق و سنجیده است تا بتواند اقتصاد مقاومتی را تحقق بخشد، به خصوص در عرصه روابط بین‌الملل، این اصل اهمیت زیادی دارد.

۴-۳-۶. وحدت و عزم ملی

در مسئله اقتصاد مقاومتی آنچه از اهمیت بیشتری برخوردار است. مسئله وحدت و انسجام ملی و تمامی عرصه‌های دولتی، خصوصی و مردم جامعه است. ارتباط متقابل و همبستگی، کارایی و کارکرد اقتصاد جامعه افزایش می‌یابد. تعاون و همکاری مردم از یک سو ارتباط متقابل نهادها و سازمان‌های جامعه، موجب رفع مشکلات و نیل به اهداف می‌گردد. ارتباط در هم تنیده مردم، سازمان‌ها و ارگان‌ها با یکدیگر اقتصاد مقاومتی را تحقق می‌بخشد.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادات

هدف مطالعه حاضر بررسی چالش‌ها و راهکارهای حمایت از تولید ملی در حوزه محیط کسب و کار در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی بود. سیاست‌های کلی نظام، به‌عنوان سند بالادستی، چارچوب‌ها و جهت‌گیری‌های کشور را در همه عرصه‌های حکومتی مشخص کرده و قوا و نهادهای حکومتی موظف به گام برداشتن در جهت تحقق آنها هستند. براساس بند ۲۶ سیاست‌های کلی، که بر موضوع تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده از طریق تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد تأکید دارد، برای دستیابی به این امر،

باید با یک حرکت انقلابی که برخاسته از فرهنگ جهادی است و با استفاده از توان مدیران متخصص، متعهد و دلسوز برای نیل به هدف کارآفرینی و اشتغال‌زایی گام برداشت. در این مطالعه با استفاده از روش تحقیق توصیفی - کمی شامل مصاحبه با نخبگان و متخصصان این حوزه، پرسش‌نامه و روش دلفی فازی ۲۲ مورد چالش و راهکار مهم شناسایی و رتبه‌بندی گردید و سپس با استفاده از روش SWARA به صورت کلی نیز مجدداً رتبه‌بندی شدند، شناسایی این چالش‌ها و تعیین رتبه اهمیت آنها می‌تواند در حمایت از تولید ملی در حوزه محیط کسب و کار بسیار تأثیرگذار باشد، نتایج حاکی از آن است که چالش‌های شناسایی شده در این مطالعه شامل: رانت جویی، ضعف در نظام قوانین و مقررات، بی‌ثباتی سیاسی، چالش ایجاد و حفظ اشتغال، چالش فناوری، چالش سرمایه انسانی (آموزش و مهارت)، چالش فساد، چالش فرهنگی، چالش برنامه ریزی، چالش‌های اقتصادی، ضعف بازار سرمایه در تأمین مالی تولید، عرضه کالاهای قاچاق در بازار داخلی و همچنین مهمترین راهکارهای شناسایی شده شامل: ارتقای قابلیت نهادی حاکمیت، تسهیل قوانین و مقررات، اصلاح رویه‌های سیاستگذاری صنعتی، ارائه سند استراتژی توسعه صنعتی، توسعه بخش مالی، رفع موانع واردات بخش صنعت، انتقال و توسعه تکنولوژی در کشور، حمایت منطقی و آگاهانه از تولید ملی، تقویت و حمایت از اقتصاد دانش‌بنیان، حمایت و تقویت عملی از بخش خصوصی هستند.

با توجه به فرمایش مقام معظم رهبری در خصوص اقتصاد مقاومتی، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی با رویکرد جهادی، انعطاف‌پذیر، فرصت‌ساز، مولد، درونزا، پیشرو و برون‌گرا باید در دستور کار قرار گیرد. بسیاری از موانع و مشکلات کشور در اصل و متن یک اقتصاد درونزا است و تمامی دستگاه‌های مسئول باید چارچوب اقتصاد مقاومتی را به شکلی تبیین کنند که این اقتصاد از درون خود موجبات استحکام در حوزه‌های داخلی را پدید بیاورد. فراهم کردن بستر فعالیت‌های سودمند و مفید اقتصادی و جلوگیری از فعالیت‌های غیرمولد و مخرب نسبت به کلیت اقتصاد کشور، یکی از وظایف مهم نهادهای حاکمیتی است. اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، آن گونه که مورد توجه و تأکید خاص مقام معظم رهبری است، نیازمند همسویی و هم‌افزایی تمامی بخش‌های اقتصادی است.

در راستای چالش‌ها و راهکاری شناسایی شده به منظور رفع موانع تولید در محیط کسب و کار در راستای تحقق سیاست‌های اقتصادی مقاومتی پیشنهاد می‌شود که هدایت و تخصیص منابع

بانکی و تأمین نقدینگی لازم برای فعالیتهای مولد اقتصادی به منظور رونق در تولید صورت گیرد. علاوه بر این پیشنهاد می‌شود که حمایت از نوسازی و تجهیز بنگاه‌های تولیدی به دانش فنی روز باهدف ارتقای بهره‌وری و رقابت‌پذیری و توسعه بسترهای تحقق اقتصاد دانایی محور می‌تواند منجر به بهبود در فضای کسب و کار و رفع موانع تولید گردد. همچنین پیشنهاد می‌گردد که با توجه به نتایج به دست آمده نهادهای فرهنگ‌سازی در تمام سطوح جامعه و تهیج مردم در راستای تحقق تولید ملی و اشتغال می‌تواند زمینه‌ساز تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی به منظور توانمندسازی داخلی گردد. علاوه بر این استفاده از کالای داخلی باید به یک گفتمان تبدیل شود و ثبات، امنیت و آرامش در تمام اقشار و اصناف حاکم باشد که منجر به بهبود در ساختار فضای کسب و کار بنگاه‌های تولیدی شود.

دسترسی به داده‌ها

داده‌های استفاده شده یا تولید شده در این پژوهش در متن مقاله ارائه شده است.

تضاد منافع نویسندگان

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که هیچ‌گونه تضاد منافی در رابطه با نویسندگی و یا انتشار این مقاله ندارند.

منابع

- اجاقی، صبا، بیات، روح الله، فضلی، صفر، کشاورز ترک، عین الله، فتح طاهری، علی. (۱۴۰۱). اولویت‌بندی عوامل مرتبط با آینده اشتغال و رفاه اجتماعی در ایران. رفاه اجتماعی، ۲۲(۸۷)، ۲۵۱-۲۲۱.
- اصغری‌پور، حسین، احمدیان، کسری، منیعی، امید. (۱۳۹۲). بررسی اثر بی‌ثباتی سیاسی بر رشد اقتصادی در ایران (رهیافت غیرخطی APARCH). فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۲۱(۶۸)، ۱۷۵-۱۹۴.
- اکبری، نعمت الله، موذن جمشیدی، هما، اکبری، محمد حسن. (۱۳۹۲). فرا تحلیل بهبود محیط کسب و کار در ایران با تأکید بر سرمایه‌گذاری. اولین همایش توسعه پایدار با رویکرد بهبود محیط کسب و کار، مشهد. بزاززاده، مهدی، داداش پور، هاشم، مطوف، شریف. (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل عوامل کلیدی موثر بر توسعه منطقه‌ای با رویکرد آینده‌نگاری منطقه‌ای، مطالعه موردی: استان آذربایجان غربی، ایران. برنامه‌ریزی فضایی، ۴(۲)، ۷۹-۱۰۴.
- حسین‌زاده بحرینی، محمد حسین، ملک‌الساداتی، سعید. (۱۳۹۰). موانع نهادی سرمایه‌گذاری و کسب و کار در ایران. پژوهشنامه بازرگانی، ۱۵(۵۹)، ۲۵-۷۴.
- حیدری مطلق، راضیه. (۱۳۹۰). الزامات مدیریت واردات در کشور. مجله اقتصادی (دوماهنامه بررسی مسائل

- و سیاست‌های اقتصادی)، ۱۱ (۱ و ۲)، ۶۳-۹۰.
- دانایی فرد، حسن، خداداد حسینی، سیدحمید. (۱۳۸۳). چارچوب‌های نهادی در نظام نوآوری: رویکردی تطبیقی به نقش دولت و مدیریت دولتی. مطالعات مدیریت بهبود و تحول، ۱۱(۴۳/۴۴)، ۶۹-۹۴.
- درخشانی درآبی، کاوه، محنت فر، یوسف. (۱۳۹۹). رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر توسعه صنعتی: مطالعه موردی استان لرستان. پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۱۰(۳۹)، ۱۳۳-۱۴۸.
- دژکام، جاسم، صبوری پویا، فاطمه. (۱۳۹۵). بررسی نقش اقتصاد دانشی و شرکت‌های دانش‌بنیان بر روند پیشرفت در شرایط اقتصاد مقاومتی کشور ایران، همایش ملی شرکت‌های دانش‌بنیان فرصت‌ها و چالش‌ها و نقش آن در توسعه کشور، چابهار.
- دولت‌شاه، پیمان، یزدخواستی، علی، مزروعی نصرآبادی، اسماعیل. (۱۳۹۸). طراحی فرآیند چرخش بنگاه‌های کوچک و متوسط در مرحله افول (مورد مطالعه: شرکت‌های فعال در صنعت مواد غذایی). پژوهشنامه مدیریت اجرایی، ۱۱(۲۲)، ۱۵۱-۱۸۴.
- رحمانی، عبدالله، وزیر نژاد رضا، احمدی نیا، حسن، رضائیان، محسن. (۱۳۹۹). مبانی روش‌شناختی و کاربردهای روش دلفی: یک مرور روایی. مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، ۱۹(۵)، ۵۱۵-۵۳۸.
- رضائی، حسین، قوامی، سید حسن. (۱۴۰۲). مدل‌سازی تحقق اقتصاد مقاومتی با تأکید بر تأثیر برونگرایی اقتصاد بر رشد اقتصادی: رویکرد پویایی سیستمی. مطالعات اقتصاد اسلامی، ۱۵(۱)، ۲۲۹-۲۶۰.
- سجودی، سکینه، جلیلی، آیلاز (۱۴۰۱). تأمین مالی اسلامی برای بنگاه‌های کوچک و متوسط: چالش‌ها و راه‌کارها. نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی، ۱۱(۳۹)، ۳۳-۵۳.
- سیف، اله مراد. (۱۳۹۲). مقدمه‌ای بر نقشه راه پیاده‌سازی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، ۴(۱۶)، ۸۹-۱۱۵.
- صالحیون، مهدی، آراستی، محمدرضا، نوری، جواد. (۱۳۹۶). بررسی موانع توسعه کسب و کار بنگاه‌های تولید کننده محصولات صنعتی با رویکرد اکوسیستم کسب و کار. اولین کنفرانس حکمرانی و سیاستگذاری عمومی، تهران.
- صبوری، حبیب. (۱۳۹۹). آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن؛ چالش‌ها و راهبردهای مواجهه با آن. مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، ۱(۱)، ۱۵۳-۱۹۶.
- طاهری، مجید رضا. (۱۳۸۷). خلاقیت و نوآوری در افراد و سازمان‌ها. علوم و فنون نظامی، ۵(۱۲)، ۱۰۱-۱۱۴.
- علی یاری، فرشاد، سیف، اله مراد، کمالی، روزبه. (۱۴۰۱). نقش ثبات و امنیت اقتصادی در الگوی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات دفاعی استراتژیک، ۲۰(۸۷)، ۵۵-۸۰.
- قاسمی، ناصر، ملک زاده، ریحانه. (۱۴۰۲). اشکال قاچاق کالا و چرایی جرم‌انگاری آن در حقوق ایران. دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۲۸ (۱۰۱)، ۱۷۷-۲۰۲.
- معاونت پژوهش‌های اقتصادی، دفتر مطالعات اقتصادی. (۱۳۹۴). الگوی راهبردی حمایت از تولید و محیط کسب و کار. شماره ۱۴۶۸۸.

موسوی، میر هاشم، زاهدی وفا، محمد. (۱۳۹۶). ارائه و تبیین ارکان جهت‌ساز الگوی راهبردی رفاه عمومی، بر اساس تحلیل محتوی آرا و اندیشه‌های امام خمینی (ره). برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، ۸(۳۲)، ۲۰۳-۲۳۵.

مهربانی، فاطمه، عبداللهی، فرشته، بصیرت، مهدی. (۱۳۹۵). اثر فضای کسب و کار بر رشد اقتصادی ایران، کشورهای MENA و OECD با استفاده از روش گشتاور تعمیم یافته. سیاست‌های راهبردی و کلان، ۴(۱۳)، ۶۵-۹۶.

میلانی، جمیل. (۱۳۹۴). اقتصاد مقاومتی و خودباوری ملی، فرصت‌ها و چالشهای تحقق آن. مجله اقتصادی (دوماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی)، ۱۵(۷ و ۸)، ۵-۲۲.

یاراحمدی، ارغوان، جابر انصاری، محمدرضا. (۱۴۰۲). رتبه‌بندی مشکلات و موانع محیطی در حوزه مدیریت بازاریابی کالاهای داخلی با رویکرد اقتصاد مقاومتی با روش AHP. اقتصاد مالی، ۱۷(۶۵)، ۲۳۳-۲۵۰.

Achim, M. V., Borlea, S. N., & Anghelina, A. M. (2018). The impact of fiscal policies on corruption: A panel analysis. *South African Journal of Economic and Management Sciences*, 21(1), 1-9. doi.org/10.4102/sajems.v21i1.1970.

Adler, M., & Ziglio, E. (1996). *Gazing into the oracle: The Delphi method and its application to social policy and public health*. Jessica Kingsley Publishers.

Ahmad, N., & Schreyer, P. (2016). Are GDP and Productivity Up to the Challenges of the Digital Economy?, *International Productivity Monitor*, Centre for the Study of Living Standards, 30, 4-27. RePEc:sls:ipmsls:v:30:y:2016:1.

Akbari, N., Mozenjamshidi, H., & Akbari, M. H. (2012). Meta-analysis of improving the business environment in Iran with emphasis on investment. The first sustainable development conference with the approach of improving the business environment, Mashhad. [In Persian]

Aliyari, F., Saif, M., & Kamali, R. (2022). The role of economic stability and security in the resistance economy model of the Islamic Republic of Iran. *Strategic Defense Studies*, 20(87), 55-80. doi: 20.1001.1.20084897.1401.20.87.3.9. [In Persian]

Asgharpour, H., Ahmadian, K., & Maniei, O. (2012). Investigating the effect of political instability on economic growth in Iran (non-linear APARCH approach). *Economic Policy Research Quarterly*, 21(68), 175-194. qjerp.ir/article-1-395-en.html [In Persian]

Bezazzadeh, M., Dadashpour, H., & Matuf, S. (2013). Review and analysis of key factors affecting regional development with a regional foresight approach, case study: West Azarbaijan Province, Iran. *Spatial Planning*, 4(2), 79-104. Doi: 20.1001.1.22287485.1393.4.2.5.1 [In Persian]

Cinnirella, F., Streb, J. (2017). The role of human capital and innovation in economic development: evidence from post-Malthusian Prussia. *Journal of Economic Growth*, 22, 193-227. doi.org/10.1007/s10887-017-9141-3.

- Crispolti, V., & Marconi, D. (2005). Technology transfer and economic growth in developing countries: an econometric analysis, *Temi di discussione (Economic working papers)* 564, Bank of Italy, Economic Research and International Relations Area. RePEc:bdi:wptemi:td_564_05.
- Danaifard, H., & Khodadadhosseini, S. H. (2003). Institutional frameworks in the innovation system: a comparative approach to the role of the government and public administration. *Improvement and Transformation Management Studies*, 11(43.44), 69-94. Doi.20.1001.1.22518037.1383.11.43.44.4.3.88 [In Persian]
- Dejkam, J., & Sabouripoua, F. (2015). Examining the role of knowledge economy and knowledge-based companies on the development process in the conditions of Iran's resistance economy, the national conference of knowledge-based companies, opportunities and challenges and its role in the country's development, Chabahaar. [In Persian]
- Dempere J, Qamar M, Allam H, Malik S. (2023). The Impact of Innovation on Economic Growth, Foreign Direct Investment, and Self-Employment: A Global Perspective. *Economies*, 11(7), 182-199. doi.org/10.3390/economies11070182
- Derakhshanidarabi, K., Mehnatfar, Y. (2019). Ranking of factors affecting industrial development: a case study of Lorestan province. *Economic Growth and Development Research*, 10(39), 133-148. Doi.20.1001.1.22285954.1399.10.39.7.4 [In Persian]
- Dolatshah, P., Yazdakhasi, A., & Mazrouei, E. (2018). Designing the turnaround process of small and medium-sized enterprises in the decline stage (case study: companies active in the food industry). *Executive Management Research Journal*, 11(22), 151-184. Doi.10.22080/JEM.2020.17249.3005 [In Persian]
- Flynn, B. B., Huo, B., & Zhao, X. (2010). The impact of supply chain integration on performance: a contingency and configuration approach. *Journal of Operation Management*, 28 (1), 58-71. doi.org/10.1016/j.jom.2009.06.001
- Ghasemi, N., & Malekzadeh, R. (2023). Forms of Goods Smuggling and the Reason for its Criminalization in Iranian Law. *Judicial Law views*, 28 (101), 177-202. Doi.10.22034/JLVI.2023.1998586.0 [In Persian]
- Haidar, I. (2012). The impact of business regulatory reforms on economic growth. *Journal of the Japanese and International Economies*, 26(3), 285-307. doi.org/10.1016/j.jjie.2012.05.004
- He, Sh., & Yao, H. (2022). Business environment, human capital structural upgrading, and economic development quality. *Environmental Economics and Management*, 10(2), 45-67. doi.org/10.1016/j.iref.2024.05.019
- Heydarimutlaq, R. (2011). Import management requirements in the country. *Economic magazine (bimonthly review of economic issues and policies)*, 11 (1 and 2), 63-90. doi.org/10.1080/00220387008421326 [In Persian]
- Hosseinzadeh, M. H., & Maleksadati, S. (2011). Institutional barriers to investment and

- business in Iran. *Business Journal*, 15(59), 25-74. Doi.20.1001.1.17350794.1390.15.5 9.2.8 [In Persian]
- Kato, M. (2010). The role of investment efficiency in the industry life cycle. *Industrial and Corporate Change*, 19, 273-294. doi.org/10.1093/icc/dtp041
- Mazzucato, M., Ryan-Collins, J., & Gouzoulis, G. (2023). Mapping modern economic rents: the good, the bad, and the grey areas, *Cambridge Journal of Economics*, 47(3), 507-534. doi.org/10.1093/cje/bead013
- Mehrabani, F., Abdullahi, F., & Basirt, M. (2015). Considering the Effects of Doing Business on Economic Growth for Iran, MENA and OECD Countries by GMM Method. *Strategic and macro policies*, 4(13), 65-96. [In Persian]
- Milani, J. (2014). Resistance economy and national self-confidence, opportunities and challenges of its realization. *Economic magazine (bimonthly review of economic issues and policies)*, 15(7 and 8), 5-22. Doi.10.22084/RJIR.2020.20382.2909 [In Persian]
- Mousavi, M. H., & Zahedivafa, M. (2016). Presenting and explaining the directional elements of the strategic model of public welfare, based on the content analysis of Imam Khomeini's opinions and thoughts. *Welfare Planning and Social Development*, 8(32), 203-235. doi.org/10.22054/qjsd.2017.8430 [In Persian]
- Ojaghi, S., Bayat, R., Fazli, S., Keshavarz Turk, A., & Fathtaheri, A. (2021). Prioritizing factors related to the future of employment and social welfare in Iran. *Social Welfare*, 22(87), 221-251. Doi.10.32598/refahj.22.87.4133.1 [In Persian]
- Phulkerd, S. (2022). Strengthening Governance and Institutional Capacity at the Nutrition-Food Supply Policy Nexus; Comment on What Opportunities Exist for Making the Food Supply Nutrition Friendly? A Policy Space Analysis in Mexico. *International Journal of Health Policy and Management*, 11(12), 3133-3136. Doi.10.34172/IJHPM.2022.7325
- Rahmani, A., Vazirineja, R., Ahmadiania, H., & Rezaian, M. (2019). Methodological Principles and Applications of the Delphi Method: A Narrative Review. *Journal of Rafsanjan University of Medical Sciences*, 19(5), 515-538. Doi.10.29252/jrms.19.5.515 [In Persian]
- Rezaei, H., & Qavami, H. (2022). Modeling the realization of a resistance economy with an emphasis on the effect of externalization of the economy on economic growth: a system dynamics approach. *Islamic Economic Studies*, 15(1), 229-260. Doi.10.30497/IES.2023.243458.2116 [In Persian]
- Roshdih, N., & Farzad, G. (2024). The Effect of Fiscal Decentralization on Foreign Direct Investment in Developing Countries: Panel Smooth Transition Regression, *International Research Journal of Economics and Management Studies*, 3(7), 133-140. Doi.10.56472/25835238/IRJEMS-V3I7P114
- Sabouri, H. (2019). Education in the era of globalization; Challenges and strategies to face it. *Strategic Studies of Public Policy*, 1(1), 153-196. doi.org/10.1080/10402659.2023.2270501 [In Persian]

- Saif, A. M. (2012). An introduction to the road map for the implementation of the general policies of the resistance economy of the Islamic Republic of Iran. *Basij Strategic Studies Quarterly*, 4(16), 115-89. doi.org/10.48305/him.2023.41237.1061 [In Persian]
- Salehion, M., Arasti, M., & Nouri, J. (2016). Investigating business development obstacles of companies producing industrial products with a business ecosystem approach. The first conference on governance and public policy, Tehran. [In Persian]
- Schoenberg, R., Collier, N., & Bowman, C. (2013). Strategies for business turnaround and recovery: a review and synthesis. *European Business Review*, 25(3), 243-262. doi.org/10.1108/09555341311314799.
- Sloan, J. (2006), *Learning to Think Strategically*, United States, Sloan International Inc.
- Sojudi, S., & Jalili, A. (2021). Islamic financing for small and medium enterprises: challenges and solutions. *Journal of Islamic Economics and Banking*, 11(39), 33-53. [In Persian]
- Stratford, B. (2022). Rival definitions of economic rent: historical origins and normative implications. *New Political Economy*, 28(3), 347-362. doi.org/10.1080/13563467.2022.2109612
- Taheri, M. R. (2007). Creativity and innovation in individuals and organizations. *Military Science and Technology*, 5(12), 101-114. Doi.10.22034/QJMST.2021.520915.1475 [In Persian]
- Vice President of Economic Research, Office of Economic Studies. (2014). Strategic model of supporting production and business environment. Number 14688. [In Persian]
- Yarahmadi, A., & Jaberansari, M. (2023). Ranking of environmental problems and obstacles in the field of domestic goods marketing management with a resistance economy approach with AHP method. *Financial Economics*, 17(65), 233-250. doi.org/10.1016/j.clrc.2021.100026 [In Persian]